



شاهنامه، آیینه خود آگاهی ملی

+ گفت‌وگوی تفصیلی با وحید عیدگاه، شاعر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درباره ارزیابی چاپ‌های شاهنامه به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی

کدام شاهنامه را بخوانیم؟



تحلیلی درباره سفر مهم عراقچی به هند برای شرکت در نخستین نشست وزرای خارجه بریکس پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم

علیه نظم آمریکایی جهان

روایت طاهره بشیر از کار فرهنگی برای کودکان از تهران تا مناطق جنگ‌زده جنوب

کتاب خوانی برای بچه‌ها با بغض میناب در گلو

آیا از منظر تاریخی، صهیونیست‌ها واقعاً به دنبال صلح با لبنان هستند؟


گذر از «سودای تسخیر» به «تضمین امنیت»

سفر ترامپ به چین راهکار برون‌رفت آمریکا از مشکلات است؟

خاورمیانه، راه حل اصلی بحران‌های آمریکا

یادداشت مهدی خالدي

به صرف هواخوری در پکن!



Quds Online

تبلیغات مجازی در قدس آنلاین

بنر | رپرتاژ آگهی | حمایتی

05137088



روزشمار جنگ | **روز هفتاد و پنجم**

ملاقات در یکن، کابوس در واشنگتن
چرا هژمونی آمریکا در هرمز غرق شد؟



هفتادوپنجمین روز نبرد، روز پردربرداری از «انزوای ژئوپلیتیک یک ابرقدرت» بود. درحالی که دونالد ترامپ با کوله‌باری از تورم داخلی و شکست راهبردی در تنگه هرمز، از پله‌های هواپیما در یکن پایین می‌آمد، واقعیت‌های روی زمین، فرش قرمز زیر پای او را به‌سخره گرفته بودند. امروز، عبور مقتدرانه ابرنفتکش‌های چینی از سد ناوگان سنتکام، جنایت ادامه‌دار اسرائیل علیه امدادگران لبنانی و افشای سوده‌های افسانه‌ای کارتل‌های نفتی غرب، ثابت کرد ماشین جنگی واشنگتن، بیش از آنکه به دنبال «صلح» باشد، در پی «عصب‌شریان‌های انرژی جهان» است؛ رؤیایی که با استقامت هوشمندانه مقاومت به یک کابوس فرسایشی تبدیل شده است.

■ **هرمز؛ وقتی «محاصره» به «تحقیر» تبدیل شد**

مهم‌ترین سیگنال استراتژیک ۲۴ ساعت گذشته، در پهنه آب‌های خلیج فارس مخابره شد. گزارش مستند مؤسسات ردیابی دریایی مبنی بر عبور ابرنفتکش چینی (احمال ۳میلیون بشکه نفت خام) از قلب تنگه هرمز، یک پیام ویرانگر برای پنتاگون داشت. رژیم کنترل دریایی آمریکا، دربرابر توافقات دوجانبه ایران با قدرت‌های شرقی، فاقد اعتبار است.

این گذر موفقیت‌آمیز، در روزی که پنتاگون برای «اطمینان‌بخشی به جهان» درباره باز بودن هرمز کنفرانس مطبوعاتی برگزار می‌کرد، نشان داد «پروژه آزادی» ترامپ یک نمایش توخالی است. به تعبیر گریگوری پولینگ، مدیر مؤسسه استراتژیک CSIS، در خلیج فارس «این چین نیست که تحقیر می‌شود، بلکه آمریکا است». واشنگتن که گمان می‌کرد با اعمال محاصره می‌تواند شاهرگ اقتصاد ایران را قطع کند، اکنون خود را در تله‌ای می‌بیند که در آن، قدرت‌های شرقی با دورزدن آمریکا، انرژی خود را مستقیماً زیر چتر امنیتی تهران تأمین می‌کنند.

■ **پکن؛ میزبان برنده نبرد اراده‌ها**

سفر دونالد ترامپ به چین در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر انجام می‌شود. ترامپ که هفته‌هاست در فضای مجازی از «نابودی توان نظامی ایران» و «کنترل اوضاع» سخن می‌گوید، با واقعیتی کاملاً متضاد به دیدار شی جین‌پینگ می‌رود. اقتصاد آمریکا با بالاترین جهش تورم مواد غذایی در چهار سال اخیر (افزایش ۴۴ درصدی قیمت سبزیجات و ۲۲ درصدی قهوه) روبرو است؛ بحرانی که محصول مستقیم بسته‌ماندن هرمز است.

در سوی دیگر، دیپلماسی ایران با زیرکی، پیش از ورود ترامپ به یکن، زمین بازی را مین‌گذاری کرده است. سفر هفته گذشته عباس عراقچی به چین و رایزنی‌های فشرده درباره «معماری نظم پسا‌جنگ» نشان می‌دهد تهران و پکن در حال تعریف یک بلوک جدید در برابر هژمونی غرب هستند. اظهارات بی‌سابقه سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه مبنی بر اینکه «آمریکا قصد دارد با این جنگ، جریان انرژی جهان را قبضه کند» پرده از اهداف پنهان واشنگتن برمی‌دارد. بلوک شرق به‌خوبی دریافته است کوتاه آمدن در برابر باج‌گیری آمریکا در هرمز، مساوی با تسلیم در برابر نظام تک‌قطبی است.

■ **ایستگاه هفتادوپنجم؛ اقتصاد جنگ و مالیات خون**

ما اکنون در مرحله‌ای از جنگ قرار داریم که «خون ریخته‌شده در خاورمیانه» به «سود سهام در وال استریت» تبدیل می‌شود. گزارش تکان‌دهنده گاردین مبنی بر سود ساعتی ۳۰ میلیون دلاری شرکت‌های نفتی غربی از بحران هرمز، ذات پنهان این جنگ را عریان می‌کند.

آمریکا با طولانی کردن بحران، در حال دوشیدن متحدانش و انتقال ثروت جهان به جیب کارتل‌های انرژی خود است. اما این استراتژی کثیف، تاریخ انقضای کوتاهی دارد. جامعه آمریکا و اروپا آستانه تحمل محدودی در برابر گرانی و تورم دارند. فردا ترامپ هرچه در یکن بگوید یا بشنود، یک واقعیت میدانی تغییر نخواهد کرد: کلید خروج از این بحران در دستان کشوری است که با صبر راهبردی، نبض هرمز را کنترل می‌کند.

مجتبی خاتونی | دو روز گذشته، نشست هماهنگ‌کنندگان ملی بریکس و امروز فردا، نشست وزرای امورخارجه این سازمان بین‌المللی در دهلی‌نو برگزار شده و می‌شود و در همین راستا، وزیر امور خارجه کشورمان در رأس هیئتی به هندوستان رفته و غریب‌آبادی، معاون وزیر، این حضور را بیانگر انتخاب راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تقویت چندجانبه‌گرایی، گسترش همکاری‌ها و مشارکت در شکل‌دهی به نظمی عادلانه‌تر در نظام بین‌الملل دانسته و یادآور شده که بریکس با استقلال در تصمیم‌گیری و دفاع از حقوق ملت‌ها در برابر انحصار، تحریم و اجبار تکامل خواهد یافت.

بریکس یک سازمان بین‌دولتی با عضویت اولیه برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی بوده و در واقع نام خود را از حروف نخست نام این کشورها به عاریت گرفته و در ادامه دولت‌هایی مانند مصر، اتیوپی، ایران، اندونزی، نپچیره و… به آن پیوسته‌اند. سازمانی که بیشتر با اهداف صرفاً اقتصادی شکل گرفته و حالا به شکل یک بلوک ژئوپلیتیکی تکامل پیدا کرده است.

در حالی که معضلات و ضعف‌های موجود در سازمان بریکس و میان اعضای آن، طیف وسیعی از اختلافات و رقابت‌های ناسالم سیاسی، مدعیات مرزی و سرزمینی و یا وابستگی‌های مخرب به بازگران و عوامل غیر همسو را شامل می‌شود؛ شاید وجود عامل یا عوامل نامطلوب نظیر امارات متحده عربی (با ارفاق زیاد) به عنوان اسب تروای نظام تمامیت‌خواه و یک‌جانبه‌گرای بین‌الملل فعلی در این سازمان را بتوان به عنوان پاشنه آشیل آن در جهت نیل به اهداف بزرگی چون بازتعریف نظم بین‌المللی جدید دانست.

از این رو و با توجه به خبثات قبیله‌های متحده ساکن در

از مأموریت ویژه به «عارف» تا مطالبه از جهاد کشاورزی

پزشکیان و دغدغه فضای مجازی و کنترل قیمت‌ها

سکان‌دار دستگاه اجرایی با یک انتصاب و یک متن منتشر شده، دغدغه خود را درزمینه دو موضوع مهم یعنی کنترل قیمت‌ها و ضرورت ساماندهی و راهبری فضای مجازی بیان کرد. بر این اساس مسعود پزشکیان نظر به ضرورت فوری استقرار حکمرانی یکپارچه،منسجم وکارآمد در فضای مجازی،روز گذشته محمدرضا عارف را با حفظ سمت به‌عنوان رئیس ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور منصوب کرد. در حکم انتصاب دکتر عارف آمده است: انتظار دارم با بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌های قانونی و اجرایی کشور نسبت به ایجاد انسجام نهادی و هم‌راستاسازی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دستگاهای ذی‌ربط اقدام نموده و با طراحی و استقرار سازوکارهای مؤثر، هماهنگی و تصمیم‌گیری یکپارچه در قف تداخل وظایف جلوگیری از موازی‌کاری‌ها و پایان‌بخشی به چندصدایی در مدیریت فضای مجازی کشور، اهتمام حداکثری مصروف دارید. پزشکیان همچنین «تدوین و اجرای

تحلیلی درباره سفر مهم عراقچی به هند برای شرکت

در نخستین نشست وزرای خارجه بریکس پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم

علیه نظم آمریکایی جهان



جنوب خلیج فارس علیه یکی از اعضای ناقد بریکس یعنی جمهوری اسلامی ایران، کمترین توقع ممکن، با توجه به لزوم واقع‌گرایی و ارتباطات مالی و اقتصادی گسترده

جنوب خلیج فارس علیه یکی از اعضای ناقد بریکس یعنی جمهوری اسلامی ایران، کمترین توقع ممکن، با توجه به لزوم واقع‌گرایی و ارتباطات مالی و اقتصادی گسترده

در جابه‌جایی قدرت بین‌المللی عمل کرده است، مقداری با حد و اندازه‌های خود آشنا کند.

گذشته از این ضعف‌های غیرقابل انکار، بریکس در کنار شانگهای، به عنوان سازمان‌هایی با ماهیت‌های متفاوت و مکمل، حالا عینی‌ترین تصویر از دنیای پس از فروپاشی نظام تک‌قطبی به‌رهبری ایالات متحده است و این در حالی است که همه نشانه‌ها و شواهد، آغاز روند این فروپاشی را تأیید می‌کنند. از رفتار تکرار‌شونده امپراتوری‌ها در آستانه سقوط، جنگ‌های بی‌پایان، نارضایتی‌های داخلی، تحقیر و انزوای هم‌پیمانان و البته ظهور عامل یا فرایند تسهیلگر این سقوط در اینجا عاملیت قهرمانانه جمهوری اسلامی ایران و استفاده هوشمندانه از ابزارهای ژئوپلیتیکی مانند تنگه هرمز و شریان انتقال انرژی و… به عنوان فرایند تسهیلگر یا کاتالیزور این تجزیه و ترکیب بزرگ‌مقیاس همه‌و همه، خبر از قریب‌الوقوع بودن این بازتنظیم ضروری در نظم قدرت جهانی دارد؛ همان چیزی که بریکس انتظار آن را می‌کشد. از این رو، حضور وزیر امورخارجه کشورمان در دهلی‌نو و شرکت در اجلاس بریکس، پس از مقاومت قهرمانانه جمهوری اسلامی ایران در برابر ضدقهرمان این داستان یعنی ایالات متحده آمریکا و نوچه‌های منطقه‌ای آن، بسیار متفاوت خواهد بود و حالا این ما هستیم که حتی جلوتر از مؤسسان بریکس با بنیان‌گذاران شانگهای در حال تحقق اهداف و آرزوهای ملت‌های مستقل و نیمه‌مستقل جهانیم و البته که هزینه آن را هم با عزیزترین داشته‌هایمان، رهبر مقتدر و مظلوم، نوگلان میناب و هزاران شهید دیگر پرداخته‌ایم و حالا نوبت بریکس است تا سهمی هرچند کوچک در این کارزار شجاعت و درایت داشته باشد و تنها در آن صورت است که می‌توان «غروب غرب» را در «طلیعه بریکس» انتظار داشت.

از ادعای ۲۹ میلیاردی تا برآورد یک‌تریلیون دلاری

دعوا و بگومگو در آمریکا بر سر هزینه‌های جنگ با ایران

نمایندگان نیز خطاب به وزیر جنگ گفت: طبق گزارش پایگاه «وار زون»، ما در جنگ با ایران حدود ۳۹ هواگرد از دست داده‌ایم که البته آن گزارش قدیمی است. متعلق به تقریباً یک ماه پیش است. آیا هزینه جایگزینی تمام آن هواگردها را می‌دانید؟ این بگومگو در شرایطی است که پیش‌تر سی‌اس اس هزینه واقعی آمریکا در تجاوز غیرقانونی به ایران را نزدیک به ۵۰میلیارد دلار و فایننشال تایمز این هزینه را صد‌ها میلیارد دلار برآورد کرده بودند. از سوی سی‌ان‌ان دیروز در گزارشی برآورد وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) درباره هزینه ۲۹میلیارد دلاری جنگ علیه ایران را رد کرده و براساس آمار غیررسمی، هزینه‌های جنگ را بسیار بیشتر دانسته و نوشت: یک کارشناس مدرسه حکمرانی کندی دانشگاه هاروارد در ماه آوریل گفته بود این درگیری ممکن است در نهایت یک تریلیون دلار برای مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه داشته باشد.

تنها کمی پس از حضور وزیر جنگ و سرپرست حسابرسی پنتاگون در جلسه استماع کنگره که به بگومگو میان آن‌ها با نمایندگان در موضوعات مختلف انجامید؛ بحث‌های درزمنه‌اند ادعای مقامات ترامپ در مورد هزینه‌های واقعی جنگ آمریکا علیه ایران همچنان ادامه دارد. سرپرست حسابرسی پنتاگون در این نشست در حضور پیت هگست با اذعان به هزینه‌های بسیار زیاد جنگ، مدعی شد هزینه عملیات نظامی (تجاوز غیرقانونی) علیه ایران در حال حاضر نزدیک به ۲۹میلیارد دلار است.

این گفته با واکنش نمایندگان مواجه شد و مارک کلی، سناتور ارشد آمریکایی گفت: درخواست ۱٫۵ تریلیون دلاری دولت ترامپ برای مصارف نظامی شوکه‌کننده است، چراکه زمانی که حدود پنج و نیم سال پیش وارد سنا شدم، بودجه دفاعی آمریکا کمی بیش از ۷۰۰میلیارد دلار بود. یکی دیگر از

از کربلا نباید گذشت!

ایران دارد. راه‌اندازی پایگاه‌ها در ۳۰۰ کیلومتری مرز ایران، عملاً اسرائیل را به همسایه نزدیک ایران تبدیل می‌کند که حتی برای رسیدن جنگنده‌هایش به اهداف ایرانی، نیازی به سوخت‌گیری هوایی نخواهد داشت! پیش از این و در جریان حملات اسرائیل به کشورمان نیز آسمان عراق بدون هیچ مشکلی جولانگاه جنگنده‌های اسرائیلی بود و تمام حملات نظامی اسرائیل از طریق همسایه غربی ما انجام شده است. مضاف بر اینکه نیروهای آمریکایی نیز بارها از فضای این کشور برای ضربه به کشورمان استفاده کرده‌اند که ترور سردار شهید سلیمانی در رأس این جنایات بوده است. باوجودهدلی فوق‌العاده مردم عراق و نیروهای مردمی این کشور با محور مقاومت و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران و با وجود ادعاهای مقامات غربی مبنی بر نفوذ ایران در این کشور، حکمرانی امنیتی در عراق عملاً در اختیار دشمن آمریکایی و صهیونیستی است و ادامه این روند قابل تحمل نیست. گرچه حکومت عراق در این موضوع، استقلال و استقرار چندانی ندارد و قادر به اعمال حاکمیت بر آسمان و زمین خود نیست، اما مسئله جنگ و امنیت ملی را نمی‌توان با تعارفات هوسپاسی‌گری برگزار کرد و از آن گذشت. اگر دیروز می‌گفتیم برای آزادی قدس از کربلا باید گذشت، امروز دست‌کم باید گفت برای دفاع از حرم ایران از کربلا نباید گذشت!

بوده و نقشه‌های تهاجمی و جنگی آن‌ها را به چالش خواهد کشید.

دلیل دیگر اهمیت سفر ترامپ به پکن تا آنجا که به موضوع ایران مربوط است، ظرفیت دیپلماتیک و جایگاه میانجی‌گری چین است که در حل بحران اخیر می‌تواند به کار آید. ازدهای زرد اسفند ۱۴۰۱ با پاردمیانی به اختلافات چندین ساله ایران و عربستان پایان داد. در مقطع کنونی هم بسیاری ورود پاکستان به موضوع میانجی‌گری میان ایران و آمریکا را با سرانگشت اشاره چین می‌دانند، چراکه اسلام‌آباد به تنهایی از ظرفیت‌های لازم برای بازیگری در چنین بحرانی برخوردار نیست. ترامپ اگرچه مدعی شده «در موضوع ایران به کمک چین نیازی ندارد» ولی او امیدوار خواهد بود بتواند شی جین‌پینگ را راضی کرده و به اعلام حمایت لفظی از جنگ خود بکشد؛ هدفی که دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد، چراکه پینگ با طرح چهار ماده‌ای نشان داده اولویت وی مدیریت و کاهش تنش میان دولت‌های پیرامون خلیج فارس است و فعلاً علاقه و عزمی برای ورود به میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن ندارد. سفر به پکن از باب درک مزه دهان، رئیس‌جمهور چین درباره تحولات تنگه هرمز هم برای ترامپ حائز اهمیت است. چین ۳۷٫۷درصد از کل صادرات نفتی را که از تنگه هرمز می‌گذرد، دریافت می‌کند که بیشترین سهم در میان کشورهاست.

حالارئیس‌جمهور آمریکا تبدیل به سیاستمداری شده که برای دریافت کمک و نه اعمال فشار به شرق آسیا می‌رود. براساس شواهد، جنگ با ایران در کانون رایزنی قرار خواهد داشت و این در حالی است که همبستگی و اشتراک منافع دوقدرت شرقی بر این دیدار و روند دیپلماتیک سایه انداخته و در تسریم مسیر پیش‌رو اثرگذار خواهد بود.

نخستین دلیل این گفته، به جایگاه و نقش ویژه اژدهای زرد در همکاری سیاسی، نظامی و به‌ویژه اقتصادی با جمهوری اسلامی برمی‌گردد. پکن در حوزه سیاسی به پشتیبان قوی تهران تبدیل شده و اعلام مخالفت با قطعنامه ضد ایرانی مدنظر اخیر آمریکا و بحرین برای ارائه به شورای امنیت، چشمه‌ای از این حمایت‌هاست. در حوزه نظامی و امنیتی اگرچه همکاری تهران و پکن چندان شفاف نیست اما بسیاری معتقدند کمک‌های چین از کاتال پاکستان، به‌ویژه در تقویت تدافند جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۴روز بسیار مهم بود. مهم‌ترین جنبه همکاری میان طرفین در حوزه اقتصادی است. با وجود جنگ و فشارهای ایالات متحده، طبق گزارش نشریه اقتصادی میس، درآمد نفتی ایران از محل صادرات نفت به چین در ماه مارس ۲۰۲۶ نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه به بالاترین سطح خود در سال‌های اخیر (حدود ۵٫۳میلیارد دلار) رسیده است. این مشارکت راهبردی شکل گرفته قطعاً مقابل نیت کاخ سفید



یادداشت

مهدی خالدی

ایران در کانون رایزنی ترامپ و پینگ؛ براساس شواهد آمریکا در تحمیل نیت خود به چین موفق نخواهد بود

به صرف هواخوری در پکن!

رئیس‌جمهور آمریکا با پرورده قطور از اختلافات زیر بغل در شرایطی راهی چین شده که جنگ با ایران زیر پایش را خالی کرده و وی را در شکننده‌ترین حالت قرار داده است. ترامپ سفری را که قرار بود اسفندماه گذشته انجام شود به تعویق انداخت به این امید که با امتیازگیری از تهران پای میز مذاکره، با دست پر راهی پکن شده و اژدهای زرد را به کرنش مقابل خواسته‌هایش وادارد. اما اوضاع چیزی نشد که دونالد می‌خواست.

نیک‌پندار | دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده روز گذشته برای دیدار با شی جین‌پینگ، رئیس جمهوری چین وارد پکن شد. ترامپ اعلام کرده در این سفر قرار است با همتای چینی خود درباره موضوعات مهمی ازجمله جنگ ایران و تنگه هرمز گفت‌وگو کند. رئیس جمهوری ایالات متحده همچنین پیش از سفر به چین گفت از همتای چینی خواهد خواست درهای کشور را به‌روی شرکت‌های آمریکایی باز کند. در همین راستا جنسن هوانگ، رئیس انویدیا در توقفی در آلاسکا سواری هواپیمای ترامپ شد و ایلان ماسک از تسلا نیز با هواپیمای ریاست جمهوری به چین سفر کرد.

ترامپ پس از خروج از واشنگتن در رسانه‌های اجتماعی نوشت: «من از رئیس جمهور شی، رهبری با تمایز فوق‌العاده، خواهم خواست چین را «باز کند» تا این افراد بااستعداد بتوانند جادوی خود را به کار بگیرند و به ارتقای جمهوری خلق به سطحی حتی بالاتر کمک کنند.»

گروهی دیگر از مدیران ارشد اجرایی، ازجمله تیم کوک از اپل نیز برای این بازدید در پکن حضور خواهند داشت.

در چنین شرایطی سی ان ان در تحلیلی گفته است سفر پرخطاره دونالد ترامپ به چین در این هفته، فرصتی تاریخی برای دو اقتصاد بزرگ جهان است تا روابط تجاری خود و لحن رقابتشان را از نو شکل دهند. اما برای رسیدن به آنجا، او و شی جین پینگ، رهبر چین، باید در دو روز ملاقات، اختلافات پیچیده‌ای را از فناوری، تجارت، مواد معدنی حیاتی و تایوان حل کنند؛ ملاقات‌هایی که اکنون عمیقاً تحت‌الشعاع جنگ ایالات متحده با ایران قرار گرفته است.

این سفر، اولین سفر یک رئیس جمهور آمریکا به چین از زمان سفر ترامپ در سال ۲۰۱۷ است - اما این سفر در پس‌زمینه‌ای کاملاً متفاوت انجام می‌شود. ترامپ و شی اکنون در دو جبهه مخالف چشم‌انداز ژئوپلیتیکی به طور فزاینده‌ای متزلزل قرار دارند، به خصوص که ایران، شریک نزدیک چین، همچنان در برابر خواسته‌های واشنگتن برای پایان دادن به جنگ مقاومت می‌کند.

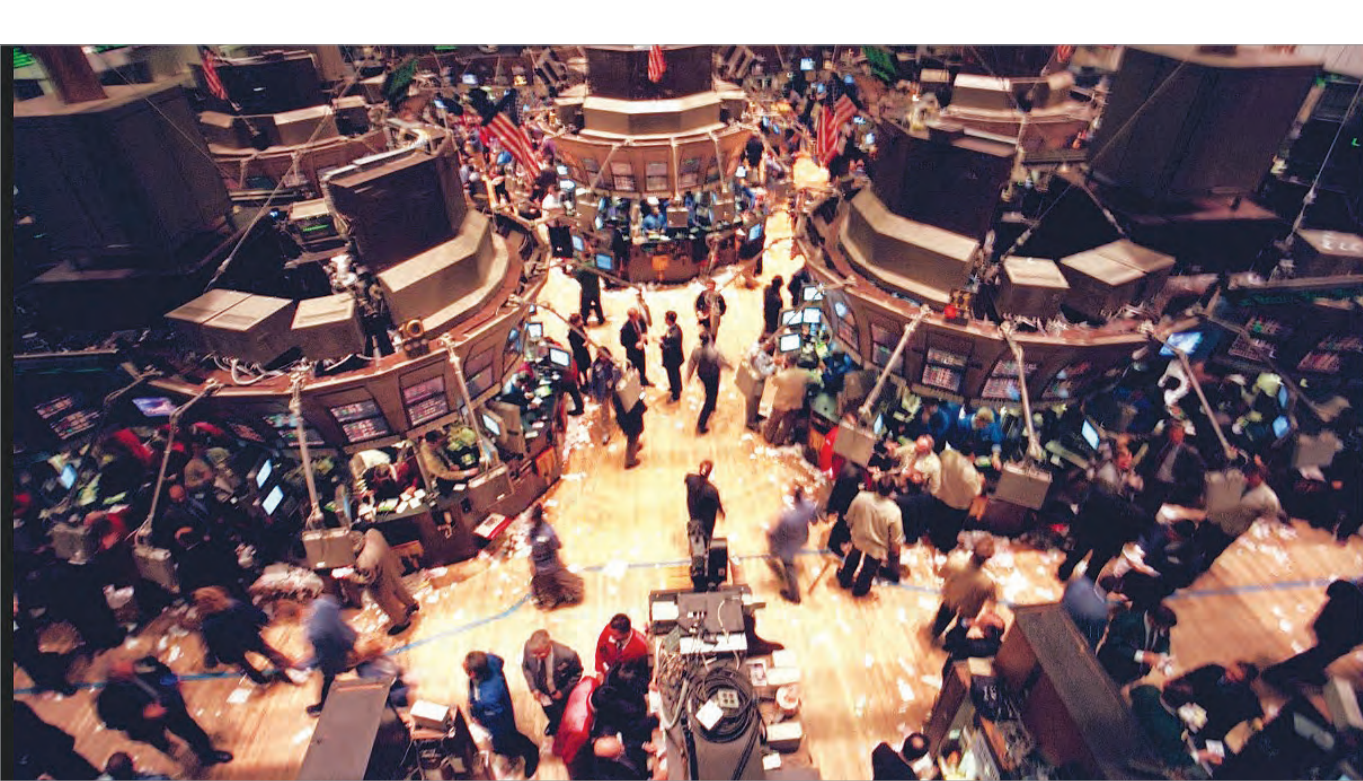
اوضاع آشفته اقتصاد بنگه دنیا

اقتصاد آمریکا در ماه‌های آوریل و مارس ۲۰۲۶ با شوک‌های شدید و بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. به گزارش روتترز، شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) در آوریل با افزایش ۴٫۱درصدی ماهانه روبه‌رو شد که بزرگ‌ترین جهش ماهانه از اوایل ۲۰۲۲ (چهار سال اخیر) به شمار می‌رود. این شاخص در ۱۲ ماه منتهی به آوریل با جهش ۶ درصدی مواجه شد که بالاترین نرخ از دسامبر ۲۰۲۳ است.

همچنین سی‌ان‌ان در گزارشی گفته افزایش قیمت گاز و انرژی نقش غالب را داشته‌است؛ تنها جهش ۱۵٫۶درصدی قیمت گاز حدود ۴۰ درصد از افزایش PPI را توضیح

سفر ترامپ به چین راهکار برون‌رفت آمریکا از مشکلات است؟

خاورمیانه، راه‌حل اصلی بحران‌های آمریکا



بحران اقتصادی آمریکا مستقیماً ریشه در جنگ علیه ایران دارد. اختلال جدی در صادرات نفت و عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز سبب شوک انرژی شده و تورم را به شکل گسترده‌ای شعله‌ور کرده است

کاهش یافته است. این فشارها بر بخش‌های مختلف، از تولید صنعتی گرفته تا خانوارها و کشاورزی تأثیر گذارشته و نگرانی‌ها از تداوم تورم، رکود احتمالی و کاهش مصرف را به‌شدت افزایش داده است.

عواقب ورود ناآگاهانه به یک جنگ

این بحران اقتصادی مستقیماً ریشه در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران دارد. اختلال جدی در صادرات نفت و عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز سبب شوک انرژی جهانی شده و تورم را به شکل گسترده‌ای شعله‌ور کرده است.

به دنبال دستاوردسازی در چین

در چنین شرایطی ترامپ عازم چین شده (نشست با شی جین‌پینگ در ۱۴و ۱۵ می) تا مگر بتواند دستاوردهایی قابل ارائه فراهم کرده‌تاین وضعیت آشفته‌را تا حدی توجیه کند. اهداف اصلی شامل تمدید آتش‌بس تجاری شکننده، توافقات محدود در حوزه کشاورزی(مانند خرید سویا، گوشت گاو و محصولات کشاورزی آمریکا توسط چین)، سفارش هواپیماهای بوئینگ توسط شرکت‌های چینی و احتمالاً درخواست کمک از پکن برای مهار تنش‌ها و پایان دادن به جنگ ایران است.تحلیلگران تأکید دارند ترامپ اکنون بیش از چین به این دیدار نیاز دارد. او همراه با مدیرانی مانند ایلان ماسک (تسلا) وتیم کوک (اپل) –هرچند با هیئتی کوچک‌تر نسبت به گذشته – به پکن رفته تا تصویر ثبات جهانی و پیشرفت اقتصادی ارائه دهد.با این حال، انتظارات بسیار پایین است و بسیاری از کارشناس معتقدند دستاوردها بیشتر جنبه ظاهری و صوری خواهند داشت و چین در موقعیت قوی‌تری قرار دارد.

بازل لاینحل تنگه هرمز برای ترامپ

با وجود این تلاش‌ها، دستیابی به پیروزی معنادار بسیار دشوار به نظر می‌رسد. تنگه هرمز به‌عنوان شریان حیاتی تأمین حدود ۲۰تا ۳۰ درصد نفت خام جهان، همچنان نقطه ضعف اصلی است. ادامه ناامنی در این آبراه موجب اختلال مداوم در زنجیره تأمین انرژی و مواد اولیه شده و قیمت‌ها را در سطوح بالا نگه می‌دارد. جنگ در خاورمیانه تضمین می‌کند این اختلالات برای ماه‌های آینده ادامه یابد و هیچ توافق موقتی باچین نمی‌تواند این متغیر ژئوپلیتیک کلیدی را حل کند. اما آنچه واضح است اینکه راهکار وضعیت فعلی اقتصادی آمریکا و سیاسی جمهوری خواهان در چین و ماچین نیست. راهکار برون‌رفت از وضعیت فعلی مشخصاً در خاورمیانه است؛ وضعیتی که آمریکا امروز در آن گیر کرده، ریشه در اعتماد بیش از حد به سیاست‌های اسرائیل محور دارد. ترامپ و تیمش سرنوشت امنیتی اسرائیل را بر رفاه اقتصادی و معیشت مردم آمریکا اولویت دادند. حالا تورم بالا، کاهش قدرت خرید، نارضایتی گسترده (بیش از ۶۰درصد مخالف جنگ با ایران) و فشار بر خانوارها هزینه سنگینی است که آمریکایی‌ها می‌پردازند.

تا زمانی که آمریکا حاضر به مهار اسرائیل در منطقه نباشد و اجازه دهد هر کاری را در منطقه انجام دهد، نمی‌تواند سرنوشت بهتری را برای مردم آمریکا رقم‌بزند. این انتخاب نه‌تنها اقتصاد را به چالش کشیده، بلکه موقعیت سیاسی ترامپ و حزب جمهوری خواه را نیز پیش از انتخابات تضعیف کرده است. جنگ با ایران بار دیگر نشان داد اولویت‌های ژئوپلیتیک بدون محاسبه دقیق هزینه‌های اقتصادی و بدون کنترل متحدان، می‌تواند به بحران داخلی پایدار و طولانی‌مدت منجر شود.

۴

به همین راحتی

آگهی شمارد تاریخ تعیین شده در صفحات روزنامه قدس چاپ میشود.

090 200 370 88

۳

آگهی‌ارسانی‌رو

تایید و مبلغ‌و

واریزمی کنید.

090 200 370 88

۲

آگهی در کمترین زمان

بپذیرش، طراحی و برای شمار ارسال همیشه

090 200 370 88

۱

به‌شماره‌همراه

0902 00 370 88

درکلی‌ار شبکه‌های اجتماعی درخواست آگهی تون رو بفرستید.

090 200 370 88

۱

پدیرش آگهی‌در روزنامه قدس

از طریق شبکه‌های اجتماعی

090 200 370 88

آگهی تجدید مزایده

شهرداری قوچان در نظر دارد باستاند مصوبه شماره ۳۰۲۷/ش مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ و ۱۴۰۱۰۸/ش مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ شورای اسلامی شهر قوچان و ماده ۱۳ آیین نامه مالی شهرداری ها ، نسبت به واگذاری مدیریت امور آرامستان (باغ بهشت) به شرکت های حقوقی واجد شرایط که دارای گواهینامه تایید صلاحیت و رتبه بندی شرکت های خدماتی و پشتیبانی، فنی و مهندسی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی که دارای سوابق معتبر و امکانات مکفی قابل قبول در زمینه فوق باشد ، اقدام نماید. لذا از اشخاص واجد شرایط دعوت می گردد جهت دریافت فرم و اسناد شرکت در مزایده با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir و با شماره مزایده ۰۵۰۰۵۰۹۱۱۶۳۰۰۰۰۰۳ به صورت الکترونیکی اقدام نمایند.

قیمت پایه ماهیانه مبلغ ۲۷۲,۹۷۶,۳۸۸ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

کلیه اطلاعات موارد شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره در برد اعلان عمومی سامانه مزایده([www](http://www.setadiran.ir)) قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد. شماره تماس جهت کسب اطلاعات مربوطه : ۰۵۱۴۷۲۱۷۳۰۰

روابط عمومی شهرداری قوچان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۳/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم غف محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه ۴۰۵۶ صادره از مشهد در تمامت در سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۳۸۲۲/۹۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۷-۱۴۰۵/۱۶۸۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۴/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم عزت‌محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه۹۳۷۱ صادره از مشهد در تمامت یک سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۴۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۷-۱۴۰۵/۱۶۸۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۴/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم عزت‌محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه۹۳۷۱ صادره از مشهد در تمامت یک سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری

کشاورزی به مساحت ۴۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۷-۱۴۰۵/۱۶۸۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۳/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم غف محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه ۱۷۸۲ صادره از مشهد در تمامت دو سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۴۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۷-۱۴۰۵/۱۶۸۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۴/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم غف محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه ۱۷۸۲ صادره از مشهد در تمامت یک سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۳۰۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۷-۱۴۰۵/۱۶۸۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۸-۱۴۰۵/۱۶۸۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۲/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم جلال محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه ۲۹۷۲ صادره از مشهد در تمامت دو سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۴۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۸-۱۴۰۵/۱۶۹۴-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۴/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم جلال محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه ۹۳۷۱ صادره از مشهد در تمامت دو سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۳۰۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در اراضی مرغزار خراسان رضوی بخش۱۵ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم حسین محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف۶۹-۱۴۰۵/۱۶۹۰-۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۹۳۸۵/۴۰۴۰۳۶۰۴۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶۰۴۰۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم غف محمدزاده فرزندی حسین بشماره شناسنامه۹۳۷۱ صادره از مشهد در تمامت یک سهم مشاع از هفت سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری

■ توجه دوباره به اهمیت شاهنامه از نظر فرهنگی و ادبی باعث شده است در سال‌ها و دهه‌های اخیر شاهنامه‌پژوهی و شاهنامه‌خوانی در میان مردم رواج بیشتری پیدا کند و برای بسیاری از مردم این پرسش ایجاد شود که کدام چاپ شاهنامه را بخوانند تا درست‌تر و کم‌غلط‌تر باشد. شما چه پاسخی به این پرسش می‌دهید؟



این پرسش یک پاسخ آسان دارد که همزمان خیلی هم آسان نیست. چرا آسان است؟ چون دیگر برکسی پوشیده نیست که حاصل تحقیقات چنددهه‌ای دکتر جلال خالقی مطلق بهترین و قابل‌اعتمادتر تین چاپ شاهنامه را برای ما فراهم کرده است. ایشان خدمتگزار راستین شاهنامه و فرهنگ ملی ایران‌زمین بودند و از هر جهت سزاوار احترام‌اند. بعید است کسی در این تردید داشته باشد که بزرگ‌ترین خادم شاهنامه در کل تاریخ فرهنگ ایران دکتر خالقی مطلق بوده‌اند. پس پاسخ از این جهت آسان است که باید شاهنامه دکتر جلال خالقی‌مطلق را بخوانیم. اما از یک جهت پاسخ به این پرسش آسان نیست. مگر یک شاهنامه خالقی‌مطلق هست؟ وقتی به بازار می‌رویم می‌بینیم چاپ‌های متعددی به‌عنوان تصحیح دکتر خالقی‌مطلق هست، یکی مفصل و دیگری نسبتاً مختصرتر. می‌دانید که همان چاپ مفصل هشت‌جلدی هم تغییر یافته چاپ دیگری در آمریکا بوده که با تغییرات اندکی در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی منتشر شده است. از سال ۱۳۹۳ نیز یک چاپ دوجلدی بزرگ در انتشارات سخن فراهم شد به‌نام «پیرایش نهایی شاهنامه» یعنی حاصل تمام زحمات استاد. این چاپ هم که غلط‌های نوشتاری داشت، بعدها با اصلاحاتی در چهارجلد چاپ شد. بعد از این هم در سال ۱۳۹۷ به بعد این چاپ چهارجلدی با تغییراتی که خیلی هم کم نبود، باز در همان چهارجلد چاپ شد. بنابراین وقتی می‌گوییم چاپ خالقی‌مطلق، باید بدانیم کدام تصحیح و چاپ کدام سال، چون هر چند سال یک بار با تغییراتی چاپ شده است. جالب است این‌طور نیست که چاپ آخری درست‌ترین باشد و این‌طور هم نیست که چاپ اولی کم‌اعتبارتر باشد. یعنی پژوهشگر و مطالعه‌کننده شاهنامه همواره در سرگردانی خواهد بود که آن هشت‌جلدی یا این چهارجلدی جدید را چکار کند. بعضی بیت‌ها در آن هشت‌جلدی درست است و در این چهارجلدی تغییر کرده و غلط شده است. بعضی بیت‌ها نیز در آن هشت‌جلدی غلط است و در این چهارجلدی درست شده است. بنابراین باید همیشه یک شاهنامه هشت‌جلدی چاپ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی داشته باشیم و یک شاهنامه چهارجلدی چاپ انتشارات سخن که هر دو تصحیح دکتر خالقی‌مطلق است. پس مسئله به‌آسانی حل نمی‌شود. همه مخاطبان که ضوابط و معیارها را نمی‌دانند تا تشخیص دهند بیت‌های شاهنامه در کدام چاپ درست است؛ باید کلی مقاله از آثار دکتر خالقی‌مطلق و همکارانشان یا پژوهشگران دیگر بخوانند تا در موارد اختلافی بفهمند کدام ضبط از کدام بیت درست است. در این میان یک دردسر دیگر هم داریم که خیلی عجیب است؛ با همه زحمت‌های ارزشمندی که دکتر خالقی‌مطلق در این چند دهه کشیده است، باز برخی بیت‌های شاهنامه را می‌بینیم که در چاپ‌های دیگر درست است و فقط در چاپ دکتر خالقی‌مطلق غلط است. شاید مخاطبان دچار شگفتی شوند وقتی این جمله را بشنوند. می‌دانیم که دکتر خالقی‌مطلق بیشترین زحمت را کشیده و از بیشترین سند و بیشترین نسخه بهره برده‌اند و کارشان هرگز قابل مقایسه با کوشش‌های دیگران نیست؛ با این حال چطور است که بعضی بیت‌ها فقط در کار ایشان غلط است؟ یعنی هم در تصحیح اول و هم در پیرایش نهایی ایشان؟ این پرسش هم یک پاسخ دارد که از جهتی ساده و از جهتی مشکل است. پاسخ ساده‌اش این است که دکتر خالقی‌مطلق یک مصحح منفعل نبوده‌اند و در بعضی بیت‌ها تصرف کرده‌اند درحالی‌که در چاپ‌های دیگر این تصرف‌ها نیست. نه اینکه در چاپ‌های دیگر مصححان شاهکار کرده و صورت درست بیت‌ها را کشف کرده‌اند یا دکتر خالقی‌مطلق از کشف آن‌ها ناآگاه بوده و ابزارهایش را نداشته‌اند، بلکه به همین دلیل ساده که دکتر خالقی‌مطلق مصحح فعال بودند نه مصحح منفعل. یعنی در برابر نسخه‌های شاهنامه خویش‌نقدان نبودند. خودشان وارد گود می‌شدند و تعیین می‌کردند که کلمه باید به چه صورتی در متن بیاید. اما چون دیگران از این تغییرات ندادند، خودبه‌خود بعضی بیت‌ها در تصحیح آن‌ها دست‌نخورده و درست و اصیل مانده و در چاپ دکتر خالقی‌مطلق دست‌خورده و نادرست و غیراصیل آمده است. اما به هر حال مستندترین و پرمایه‌ترین و گرانسنگ‌ترین چاپ شاهنامه چاپ دکتر خالقی‌مطلق است. چاپ هشت‌جلدی ایشان با انبوه نسخه‌بدل‌های پایین هر صفحه نشان می‌دهد که چقدر زحمت‌کشیده‌اند. اهالی متن‌پژوهی می‌دانند که تصحیح یک متن کهن با ۱۵نسخه‌حتی یک صفحه‌اش هم چقدر سخت است، چه برسد به اینکه بخواهی ۵۰هزار بیت را تصحیح کنی و برای هر کدام از این بیت‌ها یا برای هر کلمه از آن‌ها هی به این‌۱۵نسخه مراجعه کنی درحالی‌که برای انتخاب از میان این‌ها باید موازین خودت را در ذهن داشته باشی که با چه معیاری می‌خواهی انتخاب کنی و این معیارها همیشه هم قطعی نیستند و دشواری‌های بسیاری به‌وجود می‌آورند. بنابراین دکتر خالقی‌مطلق و همکارانشان دکتر امیدسالار و شادروان دکتر خطیبی واقعاً کار دشوار و ارزنده‌ای انجام داده‌اند.

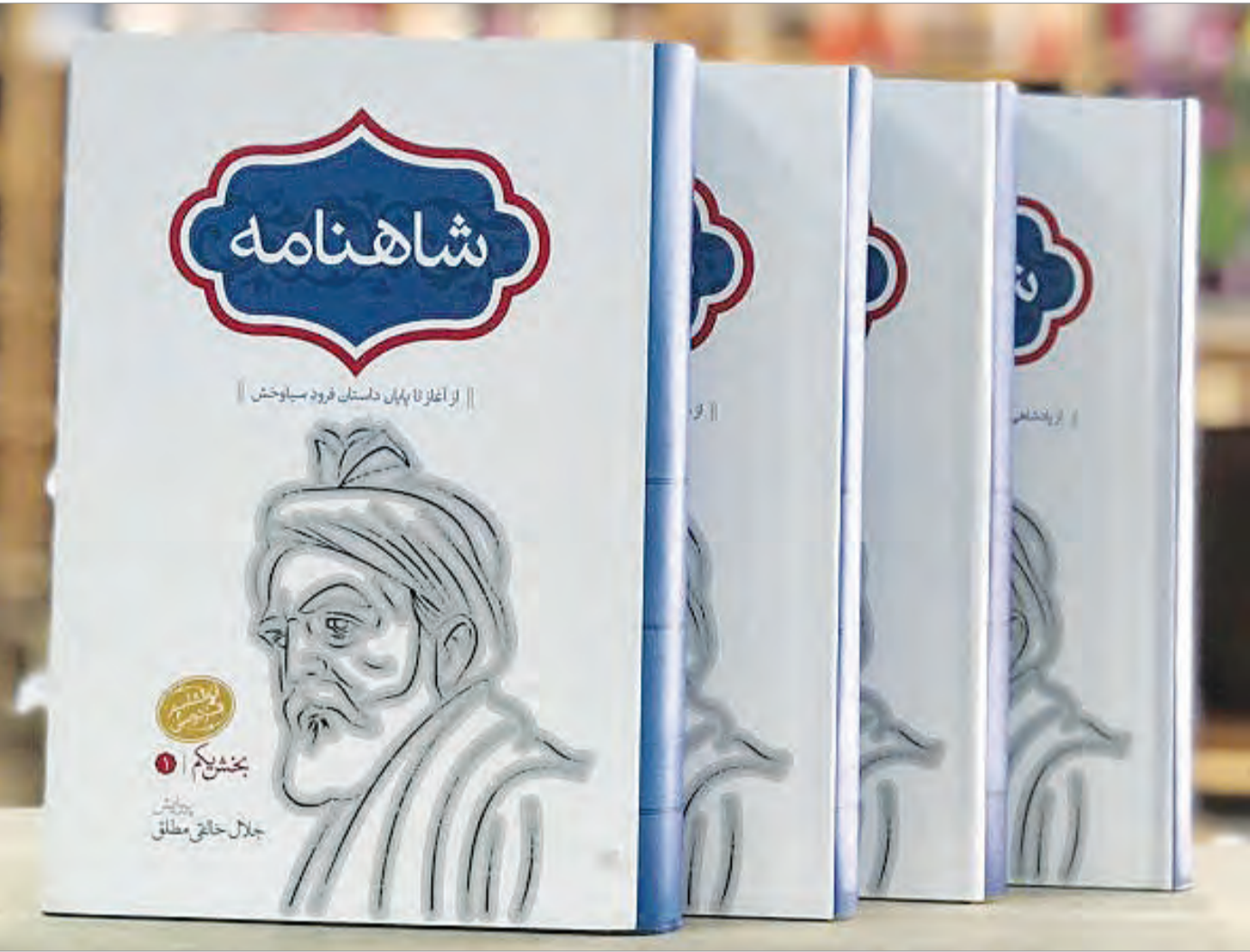
برای فهمیدن ارزش کار ایشان یک راه ساده‌تر هم هست. اگر فرض کنیم دکتر خالقی‌مطلق و آثارشان نبودند، چه چیزهایی را از دست می‌دادیم؟ بی‌شک چیزهای خیلی مهمی را از دست می‌دادیم. رونق شاهنامه‌پژوهی در دهه‌های اخیر مدیون آثار دکتر خالقی‌مطلق است؛ این پرسشش یک پاسخ آسان دارد که همزمان خیلی هم آسان نیست. چرا آسان است؟ چون دیگر برکسی پوشیده نیست که حاصل تحقیقات چنددهه‌ای دکتر جلال خالقی‌مطلق بهترین و قابل‌اعتمادتر تین چاپ شاهنامه را برای ما فراهم کرده است. ایشان خدمتگزار راستین شاهنامه و فرهنگ ملی ایران‌زمین بودند و از هر جهت سزاوار احترام‌اند. بعید است کسی در این تردید داشته باشد که بزرگ‌ترین خادم شاهنامه در کل تاریخ فرهنگ ایران دکتر خالقی‌مطلق بوده‌اند. پس پاسخ از این جهت آسان است که باید شاهنامه دکتر جلال خالقی‌مطلق را بخوانیم. اما از یک جهت پاسخ به این پرسش آسان نیست. مگر یک شاهنامه خالقی‌مطلق هست؟ وقتی به بازار می‌رویم می‌بینیم چاپ‌های متعددی به‌عنوان تصحیح دکتر خالقی‌مطلق هست، یکی مفصل و دیگری نسبتاً مختصرتر. می‌دانید که همان چاپ مفصل هشت‌جلدی هم تغییر یافته چاپ دیگری در آمریکا بوده که با تغییرات اندکی در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی منتشر شده است. از سال ۱۳۹۳ نیز یک چاپ دوجلدی بزرگ در انتشارات سخن فراهم شد به‌نام «پیرایش نهایی شاهنامه» یعنی حاصل تمام زحمات استاد. این چاپ هم که غلط‌های نوشتاری داشت، بعدها با اصلاحاتی در چهارجلد چاپ شد. بعد از این هم در سال ۱۳۹۷ به بعد این چاپ چهارجلدی با تغییراتی که خیلی هم کم نبود، باز در همان چهارجلد چاپ شد. بنابراین وقتی می‌گوییم چاپ خالقی‌مطلق، باید بدانیم کدام تصحیح و چاپ کدام سال، چون هر چند سال یک بار با تغییراتی چاپ شده است. جالب است این‌طور نیست که چاپ آخری درست‌ترین باشد و این‌طور هم نیست که چاپ اولی کم‌اعتبارتر باشد. یعنی پژوهشگر و مطالعه‌کننده شاهنامه همواره در سرگردانی خواهد بود که آن هشت‌جلدی یا این چهارجلدی جدید را چکار کند. بعضی بیت‌ها در آن هشت‌جلدی درست است و در این چهارجلدی تغییر کرده و غلط شده است. بعضی بیت‌ها نیز در آن هشت‌جلدی غلط است و در این چهارجلدی درست شده است. بنابراین باید همیشه یک شاهنامه هشت‌جلدی چاپ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی داشته باشیم و یک شاهنامه چهارجلدی چاپ انتشارات سخن که هر دو تصحیح دکتر خالقی‌مطلق است. پس مسئله به‌آسانی حل نمی‌شود. همه مخاطبان که ضوابط و معیارها را نمی‌دانند تا تشخیص دهند بیت‌های شاهنامه در کدام چاپ درست است؛ باید کلی مقاله از آثار دکتر خالقی‌مطلق و همکارانشان یا پژوهشگران دیگر بخوانند تا در موارد اختلافی بفهمند کدام ضبط از کدام بیت درست است. در این میان یک دردسر دیگر هم داریم که خیلی عجیب است؛ با همه زحمت‌های ارزشمندی که دکتر خالقی‌مطلق در این چند دهه کشیده است، باز برخی بیت‌های شاهنامه را می‌بینیم که در چاپ‌های دیگر درست است و فقط در چاپ دکتر خالقی‌مطلق غلط است. شاید مخاطبان دچار شگفتی شوند وقتی این جمله را بشنوند. می‌دانیم که دکتر خالقی‌مطلق بیشترین زحمت را کشیده و از بیشترین سند و بیشترین نسخه بهره برده‌اند و کارشان هرگز قابل مقایسه با کوشش‌های دیگران نیست؛ با این حال چطور است که بعضی بیت‌ها فقط در کار ایشان غلط است؟ یعنی هم در تصحیح اول و هم در پیرایش نهایی ایشان؟ این پرسش هم یک پاسخ دارد که از جهتی ساده و از جهتی مشکل است. پاسخ ساده‌اش این است که دکتر خالقی‌مطلق یک مصحح منفعل نبوده‌اند و در بعضی بیت‌ها تصرف کرده‌اند درحالی‌که در چاپ‌های دیگر این تصرف‌ها نیست. نه اینکه در چاپ‌های دیگر مصححان شاهکار کرده و صورت درست بیت‌ها را کشف کرده‌اند یا دکتر خالقی‌مطلق از کشف آن‌ها ناآگاه بوده و ابزارهایش را نداشته‌اند، بلکه به همین دلیل ساده که دکتر خالقی‌مطلق مصحح فعال بودند نه مصحح منفعل. یعنی در برابر نسخه‌های شاهنامه خویش‌نقدان نبودند. خودشان وارد گود می‌شدند و تعیین می‌کردند که کلمه باید به چه صورتی در متن بیاید. اما چون دیگران از این تغییرات ندادند، خودبه‌خود بعضی بیت‌ها در تصحیح آن‌ها دست‌نخورده و درست و اصیل مانده و در چاپ دکتر خالقی‌مطلق دست‌خورده و نادرست و غیراصیل آمده است. اما به هر حال مستندترین و پرمایه‌ترین و گرانسنگ‌ترین چاپ شاهنامه چاپ دکتر خالقی‌مطلق است. چاپ هشت‌جلدی ایشان با انبوه نسخه‌بدل‌های پایین هر صفحه نشان می‌دهد که چقدر زحمت‌کشیده‌اند. اهالی متن‌پژوهی می‌دانند که تصحیح یک متن کهن با ۱۵نسخه‌حتی یک صفحه‌اش هم چقدر سخت است، چه برسد به اینکه بخواهی ۵۰هزار بیت را تصحیح کنی و برای هر کدام از این بیت‌ها یا برای هر کلمه از آن‌ها هی به این‌۱۵نسخه مراجعه کنی درحالی‌که برای انتخاب از میان این‌ها باید موازین خودت را در ذهن داشته باشی که با چه معیاری می‌خواهی انتخاب کنی و این معیارها همیشه هم قطعی نیستند و دشواری‌های بسیاری به‌وجود می‌آورند. بنابراین دکتر خالقی‌مطلق و همکارانشان دکتر امیدسالار و شادروان دکتر خطیبی واقعاً کار دشوار و ارزنده‌ای انجام داده‌اند.

فرهنگ و هنر

گفت‌وگوی تفصیلی با وحید عید‌گاه، شاعر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

درباره ارزیابی چاپ‌های شاهنامه به‌مناسبت روز بزرگداشت فردوسی

کدام شاهنامه را بخوانیم؟



یوسف بینا | وقتی به پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم یک «شاهنامه» بخریم، گزینۀ‌های مختلفی به‌چشم ما می‌آید؛ «شاهنامه چاپ مسکو»، «شاهنامه به‌تصحیح ژول مول»، «شاهنامه به‌تصحیح مصطفی جیحونی» و شاهنامه‌های فراوان دیگری که به‌کوشش فلان و بهمان منتشر شده است، اما حدود دو دهه است که «شاهنامه پیرایش جلال خالقی‌مطلق» در این میان بر صدر نشسته است و سخنرانی‌ها و مقاله‌های بسیار در برتری آن بر دیگر چاپ‌های شاهنامه نوشته‌اند. امروز بر همه اهالی کتاب و ادبیات روشن است که این چاپ از

حماسه ملی ایران با اختلاف بهترین است و خواننده‌را از مراجعه به دیگر شاهنامه‌ها بی‌نیاز کرده است. اما آیا این کار پژوهشی‌ست‌رگ که محصول شش دهه کوشش عالمانه استاد خالقی‌مطلق است، عیب و نقصی ندارد یا انتقاد و ایرادی به آن وارد نیست؟ آیا نمی‌توان با نقد و بررسی آن قدم‌های بلندتری در مسیر شاهنامه‌شناسی و فردوسی‌پژوهی برداشت؟ در آستانه بیست‌وپنجم اردیبهشت که روز بزرگداشت فردوسی است، با دکتر وحید عیدگاه، شاعر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته متن‌پژوهی به‌گفت‌وگو نشستیم تا از او بپرسیم «کدام شاهنامه را بخوانیم؟»

شاهنامه، آینه خودآگاهی ملی

است اما وقتی می‌خواهد وارد این مباحث‌شود، به‌مخالف خود توهین می‌کند. فردوسی فقط وقتی درباره پیدادگران سخن می‌گوید به آن‌ها حرف‌مرغی می‌زندوبرای نمونه آن‌ها را «نهنگان مردم‌کشان» یعنی «تمساح آدم‌خوار» تشبیه کرده است. او هرگز زیانش را به هر چیزی آلوده نمی‌کند. حتی وقتی بعضی توصیف‌ها ممکن است مطالب‌ناپسند به‌ذهن شاعر بیآورد و شاعر خودرا از گفتن مطالب‌تانلدزاهای زشت ناگزیر ببیند، اما فردوسی راه چاره‌ای پیدا می‌کند و از آن می‌گذرد و مثل برخی شاعران مکت‌نمی‌کند. آثار برخی شاعران اهل وعظ و تصوف را هم که ببینید، این تفاوت خیلی آشکار می‌شود. شما زبان سنایی و مولانا را با زبان فردوسی مقایسه کنید و ببینید چقدر مطالب‌گزنده و زننده و رکیک در آثار این دو تن هست و مقایسه کنید با زبان فردوسی که چقدر پاکیزه و مؤدب است. بعضی‌ها به‌طور سنتی

وحید عیدگاه | درباره فردوسی و اثر گرانمایه او شاهنامه، دو نکته در کنار دیگر نکات ادبی و فرهنگی و هنری و زبانی که همه برجسته‌اند، برای من مهم‌ترند. نخست طرز فکر و سطح اندیشه و ادب فردوسی است. وقتی با برخی بیت‌هایش مواجه می‌شویم، حس می‌کنیم با شاعران معمولی فرق دارد. با اندیشه‌ای ژرف‌تر و انگار از جای بالاتری جهان را نگاه می‌کند. ببینید درباره امکان نداشتن رؤیت خداوند چگونه حرف زده است: «به‌ببیندگان آفریننده‌را/ نبینی مرنجان دو بیننده‌را». ببینید چقدر زیبا و محکم و مؤدبانه هم مخالفت خود را با اندیشه‌ای بیان کرده و هم اندیشه خود را گفته و به کسی توهینی نکرده است. حالا ببینید نظامی مخالفت خود را با فردوسی چگونه گفته و به او توهین کرده است: «دیدنش از دیده نباید نهفت/ کوری آن کس که به دیده نگفت». نظامی شاعر هنرمند و توانمندی

محققانه را در پیش بگیرند. روش محققانه هرگز خود را درست تسلیم یک اندیشه نمی‌کند. مهم این است که دکتر خالقی‌مطلق کار را چندین قدم به جلو برده است و این هم ممکن است برای هر کسی واضح نباشد. خیلی از افرادی که چاپ‌های شاهنامه را می‌خوانند، در عمل با مشکل مواجه نمی‌شوند، چون بسیاری از بیت‌ها معنی دارند و شسته‌رفته و زیبا هم هستند و ممکن است به نظر برسد عیبی ندارند.

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی کزی زاید و کاستی

بیت به این معروفی و زیبایی را در چاپ‌های شاهنامه می‌خوانیم، اما وقتی چاپ دکتر خالقی‌مطلق را می‌خوانیم یا بعضی از چاپ‌هایی که نسبتاً معتبرند، می‌بینیم که به‌شکل دیگری آمده است:

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی دروغ آید و کاستی
دکتر خالقی‌مطلق با توجه به نسخه‌های خوب و معتبر و کهن این بیت را تصحیح کرده‌اند. برخلاف آنچه معروف است، در این بیت کلمه «کزی» به‌کار نرفته است. آنچه با «راستی» تضاد دارد «دروغ» است، اما چون «راستی» را فیزیکی فرض کردیم فکر کردیم مخالفش «کزی» می‌شود. وقتی چاپ دکتر خالقی‌مطلق را می‌خوانیم، بیت فردوسی را دقیق‌تر می‌فهمیم که می‌گوید: «تو باید در این دنیا قوی باشی اگر می‌خواهی راست بگویی، اگر ضعیف بشوی مجبوری دروغ بگویی!» چون قدرت باعث راست‌گویی و ضعف باعث دروغ‌گویی می‌شود. از این مثال‌ها فراوان است که در چاپ دکتر خالقی‌مطلق شکل

خالقی «شوریده‌گش» است، چون «گش» به‌معنای «صفر» است و «شوریده‌گش» یعنی آدمی که صفرایش آشفته شده و خشمگین است. پس معلوم است کاتبان نسخه‌ها «گش» را برداشته‌اند و به‌جایش «هش» گذاشته‌اند چون معنی «گش» را نمی‌دانسته‌اند. دکتر خالقی‌مطلق هم بر اساس این اصل شکل دشوارتر را آورده است. پس به‌طور منطقی ضبط‌های دشوار معمولاً با اینکه به‌ظاهر غلط‌اند اما در باطن درست‌اند چون ضبط‌های ساده معمولاً در نسخه‌های جدید و متأخر و کم‌اصالت دیده می‌شوند و ضبط‌های دشوار در نسخه‌های قدیمی و اصیل دیده می‌شوند. این قانون خوب و درست «برتری ضبط دشوار بر ضبط آسان» در ذهن برخی مصححان مثل دکتر خالقی‌مطلق با چیز دیگری اشتباه شد. باید بدانیم «ضبط دشواری که وجود دارد برتر است از ضبط آسانی که وجود دارد» نه اینکه خود مصحح یک کلمه دشوار بسراید. در برخی بیت‌های شاهنامه، دکتر خالقی‌مطلق چیزهایی را خودشان ساختند، مثلاً به‌جای کلمه «نهفته» نوشتند «نهین» و به‌جای کلمه «تهدید» نوشتند «زلیفن» و بیت را بازرسانی کردند. توجه‌ناداشتن به برخی قواعد ادب فارسی باعث برخی دیگر از تصرفات دکتر خالقی‌مطلق در تصحیح شاهنامه شده است. مثلاً ایشان متوجه شدند که در نسخه‌های قدیمی شاهنامه تعداد مواردی که قبل از «الف» حرف «ز» وجود دارد کمتر است نسبت به نسخه‌های جدید شاهنامه و در نسخه‌های قدیمی بیشتر «از» به‌جای «ز» آمده است. مثلاً اگر در نسخه‌های سده نهم و دهم «ز ایرانیان» دیده شود، به‌احتمال زیاد در یک نسخه سده هشتم یا هفتم «ز ایرانیان» هست. این نکته را که ایشان با ممارست و دقت به‌درستی تشخیص دادند اما از آن نتیجه نادرستی گرفتند و در تصحیح نهایی خود همه «ز»‌های قبل از «الف» را «از» کردند. درحالی‌که بسیاری از این «از»‌ها اشتباه است و اشتباه فاحش‌تر این است که «ز» قبل از «ع» را نیز «از» کردند و این بیت معروف را که زیانزد اهل ادب است این‌گونه نوشتند:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و از عنبر سرشته نبود

درحالی‌که شکل درست بیت هم بر اساس قواعد ادبی و هم طبق همه نسخه‌ها این است:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و ز عنبر سرشته نبود

موارد دیگری هم هست که ایشان اگرچه ممارست بسیاری در متن شاهنامه کرده‌اند اما به نتایج نادرستی رسیده‌اند و حرکت‌گذاری‌های غلطی در شاهنامه داشته‌اند. البته منکر این نیستم که بسیاری از حرکت‌گذاری‌های ایشان درست است، اما باید توجه کرد که این حرکت‌گذاری‌های نادرست به‌ویژه در لغاتی که برکاربرد هستند، در سراسر شاهنامه پخش شده و ریخت بیت‌های شاهنامه را گاه‌گاه از اصالت انداخته است. نکته دیگر این است که دکتر خالقی‌مطلق در برخی تصمیم‌گیری‌ها دچار نوعی علاقه به تمایز شده‌اند؛ هم در تصحیح بیت‌ها و هم در حروف‌نگاری و شکل نوشتن کلمه‌ها و بیت‌های شاهنامه؛ مثلاً مصرع «نیک‌دل برهنر پهلوان»، را نزدیک هم نوشته‌اند درحالی‌که این عبارت سه کلمه «پهلوان نیک‌دل برهنر» است و باید جدا نوشته شود. این در حالی است که مصحح باید در پی مستندبودن و درست‌بودن باشد، خواه متمایز باشد، خواه نباشد. وقتی بیت «به نام خداوند جان و خرد/ کز این برتر اندیشه برنگرد» را از تصحیح ایشان نقل می‌کنیم، در پی این نیستیم که از تصحیح‌های دیگر متمایز باشد. این نکته نیز برخی بیت‌ها را از سلامت انداخته است. آشنانبودن با اصول وزن و قافیه شعر کهن و تاریخ زبان و تلفظ‌های قدیمی برخی کلمه‌ها نیز باعث ازبین‌رفتن سلامت و اصالت برخی بیت‌ها در چاپ دکتر خالقی‌مطلق شده است. همچنین سره‌گرایی و باستان‌گرایی مصحح نیز گاه باعث شده است به بیت‌های شاهنامه در چاپ ایشان آسیب‌هایی وارد شود.

■ در ارزیابی شاهنامه چاپ دکتر خالقی‌مطلق چگونه می‌توان راه منصفانه و علمی را پیمود؟

از یک سو نباید دچار بی‌انصافی بود و از سوی دیگر نباید مغالطه کرد. انصاف این است که آن همه فواید که در متن‌پژوهی و مقاله‌ها و گزارش‌های ایشان هست را فراموش نکنیم. به مغالطه هم نباید تن بدیم؛ کاری که در نوشته‌های خود ایشان و برخی طرفدارانشان دیده می‌شود. هرچه در انتقاد از ایشان نوشته می‌شود، مواردش را می‌شمرند و تقسیم می‌کنند بر بیت‌های شاهنامه و می‌گویند مثلاً ده‌بیست مورد اشتباه در مقایسه با ۵۰هزار بیت شاهنامه چیزی نیست. چنین مقایسه‌ای مغالطه است. این انتقاده‌ها مربوط به لغزشگاه‌های شاهنامه است، نه موارد عادی. موارد عادی مانند «به نام خداوند جان و خرد» را اگر درست تصحیح کنیم که کار سنگینی نکرده‌ایم. لغزشگاه‌های شاهنامه است که باید در ارزیابی به آن‌ها توجه شود. بنابراین آنچه می‌بینیم، مجموعه ارزشمندی از دکتر خالقی‌مطلق به‌جان مانده است که با همه اشتباهاتی که در آن هست، همچنان پر از فایده است و این فواید را باید ارج گذاشت و از آن‌ها بهره‌مند شد و نکته‌های مثبتش را گسترش داد و اشتباهاتش را گوشزد کرد.

■ آیا شاهنامه باید دوباره تصحیح شود؟

با اینکه شاهنامه‌پژوهی با آثار دکتر خالقی‌مطلق بسیار پیش‌رفته است، اما باید دوباره تصحیح شود. پیداشدن نسخه‌های شاهنامه به‌نام سن‌ژورف که تا زمان چاپ هشت‌جلدی دکتر خالقی‌مطلق پیدا نشده بود و بعدها هم مصحح مراجعه مختصری به آن کردند در کنار مسائل فنی دیگر نشان می‌دهد که شاهنامه باید دوباره تصحیح شود؛ حتی اگر در بسیاری از بیت‌ها دوباره‌کاری انجام شود. ما شاهنامه‌بیس نداریم.

گزارش تاریخی

۸۰۰ سال همزیستی با فاضلاب!

رودسری | در مطالعات مربوط به تاریخ پس از اسلام، قرن‌های سوم تا پنجم هجری، به عنوان دوران عصر طلایی تمدن اسلامی شناخته می‌شود؛ دورانی که در آن، مسلمانان توانستند با اتکا به آموزه‌های اسلام و تلاش و کوشش مجدّانه، به دستاوردهای علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بزرگی دست پیدا کنند. آنچه به نام تمدن اسلامی و پیشرفت علمی مسلمانان می‌شناسیم، در این دوره به اوج خود رسید و دست‌کم تا سه قرن بعد، با فراز و فرودهایی، ادامه یافت. هرچند هجوم مغولان، به یک‌باره آفتاب این تمدن را به غروب نزدیک کرد، اما اصالت و صلابت آن، مانع از نابودی اش شد و میراث آن عصر طلایی، هرچند در قالب کتاب‌ها و نوشته‌ها، به عصر حاضر و نسل کنونی انتقال یافت. اما بحث ما در این نوشتار، بررسی دستاوردهای این تمدن بزرگ نیست؛ بلکه می‌خواهیم کسانی را که گاه فرهنگ و اصالت ما را به استهزا می‌گیرند و دنیا را دهکده‌ای جهانی، با کدخدایی خودشان می‌پندارند، بهتر بشناسیم و به حکم مصرع دلنشین شعری از ملک‌الشعرا می‌نهاد که می‌گوید «سوابق است که هر عمر را نظام دهد»، با سابقه و تاریخ اجتماعی اروپایی‌های پرنخوت، هم‌زمان با عصر طلایی تمدن اسلامی، بیشتر آشنا شویم.

سیستم دفع فاضلاب

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار بهداشتی در جوامع مسلمان، استفاده از سیستم صحیح دفع فاضلاب و ایجاد سرویس‌های بهداشتی مناسب در تمام منازل، حتی در دورافتاده‌ترین روستاهاست. اما جالب است بدانید در اروپا قرون وسطا، اصولاً احداث ساختمانی با عنوان سرویس بهداشتی، محلی از اعراب نداشت! تنها در خانه‌های اشراف و کاخ‌های سلطنتی می‌شد یکی دو تا توالت پیدا کرد. ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» می‌نویسد:

«صومعه‌ها، دژهای فتودال و خانه‌های اغنیا دارای مستراح‌هایی بودند وصل به چاه مستراح، لکن اکثر خانه‌ها برای این کار محلی در حیاط سرطوبله داشتند و در مواردی، یکی از این مستراح‌های طبیعی، مورد استفاده ده، دوازده خانه بود!]]» مسئله سرویس بهداشتی و دفع صحیح فضولات انسانی، به این موارد ختم نمی‌شد؛ در پاریس که در قرن ۱۷ میلادی، آن را عروس شهرهای اروپایی می‌نامیدند، تا سال ۱۳۰۰ میلادی، مستراح هنوز جزو وسایل لوکس محسوب می‌شد. فرانسوی‌ها در کاسه‌هایی ادرار می‌کردند و آن را لب پنجره خانه می‌گذاشتند تا بوی وحشتناکش، آزارشان ندهد. گاهی این کاسه‌ها از فراز طبقه دوم، روی سر عابران می‌ریخت و دستمایه خنده و مسخره‌بازی اهالی محل می‌شد. ویل دورانت تصریح می‌کند پارسی‌ها عادت داشتند محتویات کاسه را بدون نگاه کردن به اطراف، به فضای کوچک بپاشند و فقط داد بزنند: «خیس نشوی!» نشانه‌هایی از این رفتار مبتذل را حتی می‌توان در آثار مولیر، نمایشنامه‌نویس معروف نیز دید. تا اواخر قرن ۱۳ میلادی، اروپایی‌ها اصلاً چیزی به نام توالت عمومی را نمی‌شناختند و اصولاً این مکان‌ها، در زمهر اماکن تجملی محسوب می‌شد. این در حالی بود که در همان زمان، در سرزمین‌های اسلامی تقریباً همه مساجد به آبریزگاه مجهز بودند. وضع در اروپا آن قدر دهشتناک بود که بوی گند فضولات انسانی، فضای شهرهای بزرگ اروپا را پر می‌کرد. سفرنامه‌نویسان مسلمان که در این دوره به اروپا رفته بودند، از بوی تعفن و جوی‌های مملو از فضولات انسانی در شهرهای اروپایی، شکایت کردند. آلبر ماله در کتاب تاریخ قرون وسطا می‌نویسد: «آلودگی کوچه‌ها موجب انتشار سریع ناخوشی می‌گردید. همین‌که هوای گرم می‌شد، بوی عفونت همه جا را می‌گرفت؛ چنان‌که روزی فیلیپ اگوست به هوای نسیم در کنار پنجره قصر خود نشستته بود که اراپه‌ای از میان لجن گذر کرد و چنان عفونتی برخاست که حالت غش به فیلیپ دست داد!]]» کلیسا که دائماً موضوع ترک دنیا را به پیروانش آموزش می‌داد، در به وجود آمدن این وضعیت نقش داشت؛ در آموزه‌های کشیش‌ها، طهارت و حمام رفتن، نوعی توجه به دنیا محسوب می‌شد و آن‌ها، عموماً مردم را به دوری از این رویه دعوت می‌کردند. به این ترتیب، مردم اروپا، هم‌زمان با دوران طلایی تمدن اسلامی، با فاضلاب‌های متعفن، همزیست و همسایه بودند و اثری از توجه به نظافت در میان آن‌ها به چشم نمی‌خورد؛ تا جایی که وقتی در سال ۱۵۳۱ میلادی، دولت فرانسه برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری، از مردم پاریس خواست که در خانه‌هایشان مستراح بسازند، هیچ کس قبول نکرد! این رویه موجب شیوع بیماری‌های واگیر می‌مانند وبا، طاعون و جذام می‌شد و هر ساله هزاران اروپایی را به کام مرگ می‌فرستاد.

حمام، بی‌حمام!

حمام‌های بخار دوره رومی‌ها نبود. آن‌ها حمام رفتن را بچه‌بازی و اقدامی مخصوص مسلمانان می‌دانستند. حتی دادگاه‌های تفتیش عقاید، برخی افراد را به واسطه تمایل به تمیزی و علاقه به استحمام، مجرم شناختند و سوزاندند! گوئی در میان این قوم، مفهومی به نام پاکیزگی وجود نداشت. رابرت ماسی، نویسنده کتاب «بیطر کبیر» درباره حمام رفتن اروپایی‌ها، روایت‌های مضحک و قابل تأملی نقل می‌کند، وی می‌نویسد: «پاریسی‌ها تا قبل از ورود سفیر ایران عصر صفوی (محمدرضا بیگ) به پایتخت فرانسه، حمام نمی‌رفتند و برای رفع بوی بد، به حد افراط از عطر و ادکلن استفاده می‌کردند؛ در حالی که فرانسه یکی از پُرآب‌ترین کشورهای اروپای غربی است... به همین دلیل است که عطر و ادکلن فرانسه در تمام دنیا مشهور است!» حمام رفتن، موجب بروز بیماری‌های جلدی و رواج شپش در میان مردم بود. حتی شاهان اروپایی هم افرادی را برای کشتن شپش‌های سرشان در اختیار داشتند. آب‌های آلوده، بلائی جان مردم می‌شد؛ کسی عادت به نوشیدن آب سالم نداشت. صبح‌گاه، وقتی از خواب برمی‌خاستند، همه اهالی منزل داخل یک ظرف سر و صورتشان را می‌شستند؛ منظره چنین اقدامی آن قدر چندش‌آور است که از توصیف آن معذوریم؛ این در حالی است که در سراسر جهان اسلام، محروم‌ترین روستاها، مجهز به حمام‌هایی برای پاکیزه کردن تن بوده و هستند و دستورات‌العمل‌های اسلامی، مسلمانان را به صورت جدی، به پاکیزگی و استحمام موظف کرده است. وضعیتی که به آن اشاره کردیم، طی ۸۰۰ سال از هزار سال دوره قرون وسطا، بین سال‌های ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی، در اروپا وجود داشت.

دولت لبنان در هفته‌های اخیر از اخبار داغ رسانه‌های جهان بوده است. آمریکایی‌ها که نقش واسطه را در این مذاکرات بازی می‌کنند، ادعا دارند تلاش آن‌ها در این زمینه با هدف تأمین آنچه امنیت رژیم صهیونیستی می‌نامند، صورت می‌گیرد؛ امنیتی که مدعی هستند به دلیل فعالیت جریان مقاومت در لبنان، به خطر افتاده است. این در حالی است که بسیاری از سیاستمداران جهان عرب، همسو با خواست آمریکا و بی‌توجه به پیشینه رژیم صهیونیستی در هجوم به سرزمین‌های اطرافش، چنین اقدامی را مثبت تلقی می‌کنند و در اظهارنظرهایی سخیف به محکومیت جریان مقاومت می‌پردازند و آن را مانع ایجاد صلح و آرامش در منطقه معرفی می‌کنند.

رژیم اشغالگر قدس، طی ۷۸ سال گذشته، با تمام همسایگان و برخی کشورهای غیرمحمود خود وارد جنگ‌های خونین شده است؛ این رویکرد، از منظر تاریخی، ریشه در بحران مشروعیتی دارد که صهیونیست‌ها هیچ‌گاه قادر به پنهان کردن آن نشدند. امروزه هیچ عقل سلیمی در غاصب بودن رژیم صهیونیستی تردید نمی‌کند. این غصب آشکار، البته براساس هنجارها و الگوهای اروپایی قرن نوزدهم میلادی انجام گرفت که مبتنی بر رویکردها و اندیشه‌های صدرصد استعماری بود. تئودور هرتزل، نویسنده کتاب «ملت یهود» و بنیان‌گذار «صهیونیسم سیاسی»، برای تأیید طرح ایجاد دولت جعلی یهود، نه به سراغ خاخام‌های یهودی رفت و نه انتخابات و همه‌پرسی در میان اقلیت‌های یهودی کشورهای جهان (موسوم به دیاسپورا) برگزار کرد، او هر آنچه را در ذهن داشت، برای «سیسیل رود» معمار استعمار انگلیس در قاره آفریقا نوشت و ارسال کرد و در نامه‌ای مفصل به وی، دلیل این اقدام را «کاملاً استعماری بودن طرح» خود دانست.

بنابراین، پیدایش رژیم صهیونیستی، عملاً بر بستر اندیشه‌های استعماری رقم خورد و به همین دلیل، در ایدئولوژی سیاسی صهیونیست‌ها چیزی به نام پاسخ‌گویی به دلیل تجاوز، غارت، کشتار و اشغال نسبت به دیگر اقوام وجود ندارد. رژیم صهیونیستی برای خود مرز جغرافیایی تعریف نکرده و فاقد قانون اساسی است! صهیونیست‌ها بدون تردید - چیزی را که بتوانند با جنگ بدست بیاورند، با مذاکره مطالبه نمی‌کنند. آن‌ها نشان داده‌اند گزینه نخستشان برای حل مسائل پیش‌رو، همواره جنگ و کشتار بوده است.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.



صهیونیست‌ها در جنوب لبنان پیشروی می‌کنند. ۱۹۸۲ میلادی

آیا از منظر تاریخی، صهیونیست‌ها واقعاً به دنبال صلح با لبنان هستند؟ گذر از «سودای تسخیر» به «تضمین امنیت»

تل‌آویو همچنان به این اصل مهم پایبند است که حمله نظامی و وحشی‌گری، بهترین گزینه برای رسیدن به اهداف مورد نظر محسوب می‌شود؛ رژیم صهیونیستی همچنان به دنبال فرصتی برای رسیدن به اهداف منطقه‌ای خود از طریق هجوم و تحرکات نظامی است

امام موسی صدر، هرگز به پایان نرسید و همچون استخوان لای زخم باقی ماند. صهیونیست‌ها نام عملیاتی را که برای تسخیر لبنان آغاز کردند، «صلح برای جلیله» گذاشته بودند؛ تل‌آویو در ژوئن ۱۹۸۲ میلادی هم، مسئله امنیت را علت تهاجم خود مطرح می‌کرد. صهیونیست‌ها مدعی بودند «ساف» (سازمان آزادیبخش فلسطین) سفیر آن‌ها را در لندن ترور کرده است و به همین دلیل، باید نیروهایش را از جنوب لبنان خارج کند. اما بخش عمده‌ای از ساکنان این منطقه، اصولاً ارتباطی با ساف نداشتند.

صهیونیست‌ها در جنوب لبنان، شامل شیعیان لبنانی و آوارگان فلسطینی (عموماً زن، کودک و سالخورده) می‌شد. اشغال جنوب لبنان و رسیدن پای نظامیان صهیونیست به حومه شهر بیروت، وضعیت را بغرنج کرد. این آغاز اشغالی ۱۷ ساله بود که با قربانی کردن صدها انسان بی‌گناه در اردوگاه‌های صبرا و شیتلا آغاز شد؛ کشتارهای وحشیانه‌ای که با هدایت سرهنگ آریل شارون (نخست‌وزیر بعدی رژیم صهیونیستی و هم‌حزبی نتانیا‌هو) و توسط شبه‌نظامیان وابسته به تل‌آویو، «فالاتزها» به انجام رسید و انتشار تصاویر آن، دنیا را تکان داد. رژیم صهیونیستی به بهانه حفظ امنیت خود، ادعای ایجاد منطقه حائل در جنوب لبنان را مطرح کرد و به این ترتیب، این ناحیه را مانند بلندی‌های جولان در جنوب غربی سوریه، تحت سیطره خود گرفت. به این ترتیب دورانی شروع شد که در آن، صهیونیست‌ها، مطابق با اصلی که درباره آن صحبت کردیم، ابتدا تمایلی به مذاکره و گفت‌وگو برای حل اختلافات نداشتند.

در همان حال، نزاع‌های طایفه‌ای در لبنان هم شدت یافت و کشور در پرنگاه سقوط قرار گرفت. گزارش‌های متعددی درباره نقش رژیم صهیونیستی در دامن زدن به این بحران‌ها وجود دارد که برخی از آن‌ها رسانه‌ای شده‌اند. نیویورک تایمز در همان ابتدای هجوم رژیم به جنوب لبنان، گزارش مفصلی منتشر کرد و از حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی صهیونیست‌ها از گروه «کتابت» (فالاتزها) پرده برداشت. با این حال، تل‌آویو به این افشاگری‌ها وقتی نمی‌گذاشت، چون خود را قدرتمند می‌دانست و در ضمن مطمئن بود که این روایت‌ها تأثیری بر حمایت آمریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی ندارد. اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، صهیونیست‌ها با تشکیل «ارتش جنوب لبنان» به فرماندهی «سعد حداد» و بعدها «آنتوان لحد»، درواقع ارتشی نیابتی به وجود آوردند که به جای نظامیان صهیونیست، دست به کشتار می‌زد.

در تمام این مدت، تلاش‌های برخی محافل بین‌المللی راه به جایی نبرد و آمریکایی‌ها نیز، حدود ۲۰ بار از حق وتو خود برای صدور قطعنامه علیه رژیم اشغالگر قدس در شورای امنیت استفاده کردند تا اصولاً رفتارهای وحشیانه و استعمارگرانه رژیم، حتی قابلیت تحت تعقیب قرار گرفتن صوری را هم نداشته باشد.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

«سودای تسخیر» سرزمین‌های غرب آسیا، در چارچوب نظریه صهیونی «نیل تا فرات»، بیش از آنکه آرمانی اعتقادی باشد، آرزویی استعماری است و این موضوع را می‌توان با اندک مطالعه‌ای در تاریخ دریافت. حال و در شرایط فعلی، چه اتفاقی رخ داده که رژیم به مذاکره با دولت لبنان روی خوش نشان داده است؟ آیا تل‌آویو قصد دارد در دیدگاه‌های استعماری خود تغییر اساسی ایجاد کند؟ آیا می‌خواهد گزینه جنگ را از ردیف نخست به ردیف دوم اولویت‌هایش انتقال دهد؟ صرف‌نظر از اینکه دولت لبنان از چه جناحی است و چه رویکردی نسبت به مقاومت دارد و ارتباطش را با غرب چگونه تعریف می‌کند، باید به اتفاقی که در حال افتادن است، نگاهی دقیق انداخت؛ نگاهی مبتنی بر تاریخ و روند حوادث که رژیم صهیونیستی را ناچار به گذر - هر چند موقت - از اولویت نخست و استفاده ابزاری از اولویت دوم کرده است. درک این موضوع زمانی ممکن است که شناخت لازم تاریخی را داشته باشیم.

روایت طاهره بشیر از کار فرهنگی برای کودکان از تهران تا مناطق جنگ‌زده جنوب

کتاب‌خوانی برای بچه‌ها با بغض میناب در گلو

عباسعلی سپاهی یونسی | بعضی آدم‌ها هر جا که باشند، برکت‌اند و حضورشان چیزی مفید به این دنیا اضافه می‌کند. آن‌ها نه با هیاهو و ادعا، بلکه با سماجتی آرام کار خودشان را می‌کنند. طاهره بشیر از همان آدم‌هاست؛ هم‌وطنی که سال‌هاست میان روستاها، حاشیه‌ها و مناطق فراموش شده، قصه و کتاب و امید می‌برد. وقتی حادثه‌ای مثل سیل سیستان و بلوچستان یا زلزله کرمانشاه هم رخ داد به سرعت خودش را به آن مناطق رساند تا در کنار بچه‌ها باشد. این گفت‌وگو را زمانی گرفتیم

خانه‌ای پر از روزنامه و مجله

من متولد ۱۳۵۶ در تهرانم. پدرم بوشهری بود و مادرم هم یزدی. ما در محله‌های مرکزی تهران زندگی می‌کردیم؛ حوالی دروازه شمیران و همان محدوده‌های قدیمی که هنوز فضای همسایگی در آن‌ها زنده بود. پدرم روزنامه‌فروش بود و همین سبب شده بود از همان کودکی با روزنامه و مجله زندگی کنم. فضای خانه‌ها همیشه پر از کاغذ، مجله، روزنامه و کیهان بچه‌ها بود. من و خواهر و برادرهایم بعضی وقت‌ها جدول‌ها را کمرنگ با مداد حل می‌کردیم تا بعد بتوانیم آن‌ها را پاک کنیم و بابا دوباره مجله‌ها را بفروشد. همان تجربه‌های ساده برای من خیلی مهم بود. هنوز هم حس می‌کنم علاقه‌ام به کتاب و ادبیات از همان روزها شکل گرفت؛ از همان لحظه‌هایی که بوی کاغذ تازه و صدای تا شدن روزنامه‌ها در خانه می‌پیچید. آن سال‌ها مثل امروز نبود که بچه‌ها کلاس‌های مختلف بروند یا سرگرمی‌های متنوع داشته باشند. بیشتر تجربه‌های فرهنگی و غیر درسی من در کانون پرورش فکری شکل گرفت، نوجوانی‌ام را

نصیرآباد؛ تبدیل قصه به مسئولیت

حدود ۱۴ سال پیش، یکی از همکارانم گفت در روستایی از توابع شهریار به نام نصیرآباد، هفته‌ای یک‌بار برای بچه‌ها کتاب می‌خواند و کاردرستی انجام می‌دهد، اما دیگر نمی‌تواند ادامه بدهد و از من خواست کار را ادامه بدهم. من رفتم نصیرآباد و همان روزهای اول فهمیدم با فضایی روبه‌رو هستم که نمی‌توانم به‌سادگی از کنارش بگذرم. بچه‌هایی را می‌دیدم که سهمشان از کودکی، بیشتر کار و نگرانی بود تا بازی و خیال‌پردازی. خیلی‌هایشان حتی تجربه مواجهه با کتاب غیردرسی را نداشتند. دو سه سال از طریق خیریه‌ای که آنجا فعال بود با بچه‌ها کار کردم اما بعد با یکی از دوستانم تصمیم گرفتیم مسیر مستقلاً را در پیش بگیریم. با کمک دوستان و خیران جلو می‌رفتیم. تمرکز اصلی من همیشه کار فرهنگی با بچه‌ها بود. البته نمی‌شود مسائل معیشتی را نادیده گرفت. وقتی خانواده‌ای درگیر نان شب است، طبیعی است دغدغه کتاب و کلاس فرهنگی نداشته باشد، اما من همیشه باور داشتم اگر بخش فرهنگی بچه‌ها تقویت شود، نگاهشان به زندگی هم تغییر می‌کند.



سال‌ها در نصیرآباد ماندم و تغییر بچه‌ها را با چشم خودم دیدم. بچه‌ای که در ابتدا خجالتی بود، پس از چند سال می‌توانست روی صحنه اجرا کند یا درباره آینده‌اش حرف بزند. به بعضی‌ها کمک کردیم دانشگاه بروند، بعضی‌ها مهارت یاد گرفتند و سر کار رفتند و بعضی‌ها یاد گرفتند که می‌توانند برای آینده‌شان رؤیا داشته باشند. محمد یکی از همان بچه‌هاست. وقتی

با او آشنا شدم، چهارده‌ساله بود و درس را رها کرده بود تا خرج خانه را بدهد. صبح‌ها کنار خیابان می‌ایستاد تا شاید کسی او را برای کار ببرد. خیلی باهوش بود اما شرایط زندگی اجازه نمی‌داد درس بخواند. با او صحبت کردم و گفتیم اگر بخواهد، می‌تواند شب‌ها درس بخواند و هم‌زمان کار کند. قبلاً تا سال آخر حسابداری پیش رفته و خودش تبدیل به یکی از کسانی شده که به بچه‌های دیگر کمک می‌کند. برای من این‌ها ارزشمندترین بخش کار است؛ اینکه فردی پس از سال‌ها بخواهد همان نوری را که گرفته، به دیگران منتقل کند. یکی از سخت‌ترین بخش‌های کار، مقاومت بعضی از خانواده‌ها بود. خیلی از خانواده‌ها اصلاً حاضر نبودند بچه‌هایشان به کلاس بیایند. هرچقدر توضیح می‌دادیم، فایده‌ای نداشت.

واقعیت این است که فقر فقط جیب آدم‌ها را خالی نمی‌کند؛ نگاهشان را هم تغییر می‌دهد. وقتی خانواده‌ای درگیر اجاره خانه، درمان یا غذاست، طبیعی است کلاس فرهنگی برایش اولویت نداشته باشد. بعضی‌ها اصلاً درک نمی‌کردند چرا باید برای بچه‌ها قصه گفت یا کتاب خواند. تورم هم شرایط را سخت‌تر می‌کرد. برای کاری که امروز یک میلیون تومان هزینه داشت، باید مدت‌ها پول جمع می‌کردیم و وقتی پول فراهم می‌شد، هزینه‌ها دو برابر شده بود. با این حال، هیچ‌وقت احساس نکردم باید کار را رها کنم. هر بار که تغییر بچه‌ها را می‌دیدم، دوباره امید می‌گرفتم. وقتی کودکی که قبلاً خودش را باور نداشت، با کمک ما اعتماد به نفس پیدا می‌کرد، احساس می‌کردم همه سختی‌ها ارزش داشته است.



سال‌های هنرستان و پناه بردن به هنر

دوران دبیرستان برایم اصلاً راحت نبود. در هنرستان فنی درس می‌خواندم و رشته‌ام شیمی بود، در حالی که هیچ علاقه‌ای به آن نداشتیم. دلیل انتخاب این رشته این بود که هنرستان نزدیک ما فقط رشته شیمی داشت. واقعاً شیمی برایم آزاردهنده بود. دانش آموز موفق می‌نمودم، چون قلبم جای دیگری بود. من هنر و ادبیات را دوست داشتم. دلم می‌خواست طراحی کنم، کتاب بخوانم و در فضای فرهنگی باشم، اما آن سال‌ها خیلی کسی وارد این بحث نمی‌شد که یک نوجوان چه چیزی را دوست دارد. با این حال همان دوره هم برایم تجربه‌هایی داشت که هنوز در ذهنم مانده است. یکی از معلم‌هایی که هنوز هم با او در ارتباطم، معلم علوم اجتماعی‌ام بود. او فقط درس نمی‌داد؛ مهربان بود، شنونده بود و می‌شد با او حرف زد. برای من خیلی مهم بود که یک بزرگسال بتواند بدون قضاوت، نوجوان‌ها را بفهمد. هر چند آن دوره جوری نبود که مثلاً من با خانواده درباره رشته‌ام مخالفت کنم برای همین شیمی خواندم. بعدتر هم‌زمان که در کانون شاغل بودم وارد دانشگاه شدم و گرافیک با گرایش تصویرسازی خواندم. هم‌زمان هم کار می‌کردم، هم درس می‌خواندم و هم



میناب؛ جایی کنار مزار کودکان

سفر میناب یکی از عجیب‌ترین و تلخ‌ترین تجربه‌های زندگی من بود. قبلاً در کودکی یک‌بار به میناب رفته بودم اما آن قدر کوچک بودم که چیزی از آن به یاد نداشتم. این بار اما میناب برای همیشه در ذهنم ماند. گروهی از دوستانم که نمایش عروسکی اجرا می‌کنند، همراه مجموعه بازی لایف که تجهیزات شهر بازی بسیار داشت، تصمیم گرفتند برای بچه‌های آسیب‌دیده در جنگ برنامه اجرا کنند. قرار شد برای بچه‌های بازمانده مدرسه شجره طیبه هم برنامه داشته باشیم. از من هم خواستند کارگاه قصه و کاردرستی برگزار کنم و من با شوق قبول کردم. یکی از خانواده‌های محلی خانه‌شان را در اختیار ما گذاشت.

درست می‌کردند و برای چند ساعت می‌خندیدند. اما سخت‌ترین بخش ماجرا، مزار بچه‌ها بود. بین قبر کودکان راه می‌رفتیم که متولد ۹۴ و ۹۸ بودند. بچه‌هایی خیلی کوچک که حالا فقط عکسشان روی برنزه مانده بود و در جنگ برای همیشه چشم‌هایشان به روی زندگی بسته شده بود. پدر یکی از دخترها به نام آتنا می‌گفت حالا که شما اینجا برنامه اجرا می‌کنید، حس می‌کنم دخترم هنوز حضور دارد. شنیدن این حرف‌ها واقعاً سنگین بود. فضا خیلی عجیب بود؛ یک طرف خنده بچه‌هایی که بازی می‌کردند و طرف دیگر، خانواده‌هایی که هنوز در سوگ بودند. ما درست کنار همان قبرها برای کودکان برنامه اجرا می‌کردیم. البته بعضی خانواده‌ها هم هنوز آن قدر درگیر سوگ بودند که نمی‌توانستند با هیچ چیز ارتباط بگیرند و این کاملاً قابل فهم بود. دل‌کنند از آن بچه‌ها برایم سخت بود. هنوز هم وقتی به میناب فکر می‌کنم، هم‌زمان هم غمگین می‌شوم و هم احساس می‌کنم آن سفر یکی از واقعی‌ترین تجربه‌های انسانی زندگی‌ام بوده است.

از طرف دیگر، مهربانی مردم میناب چیزی بود که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. خانواده‌ای که خانه نوسازش را در اختیار ما گذاشت، عملاً زندگی‌اش را با ما تقسیم کرد. زن‌های محل برایمان نان محلی می‌آوردند، ترشی انبه می‌آوردند و مدام تلاش می‌کردند احساس غربت نکنیم. حتی یادم هست یک خانم نشست و گفت هرکسی دوست دارد برایش نقش حنا می‌زنم. شاید این اتفاق‌ها ساده به نظر برسند، اما وسط آن همه آندوه، همین مهربانی‌های کوچک خیلی پررنگ می‌شد. من معمولاً در کارهایی که انجام می‌دهم، بعد از تمام شدن پروژه، از نظر روحی جدا می‌شوم و به زندگی عادی برمی‌گردم، اما میناب برایم این‌طور نبود. احساس می‌کنم هنوز بخشی از ذهنم همان‌جا مانده؛ میان بچه‌هایی که بازی می‌کردند، مادرهایی که از فرزندهایشان حرف می‌زدند و میان قبرهای کوچکی که دیدنشان واقعاً طاقت‌فرسا بود.

رؤیای من؛ کودکی بدون ترس و بدون کار

پس از سال‌ها فعالیت در نصیرآباد، حالا از سال گذشته در روستای قشلاق جیتو قرچک ورامین کار می‌کنیم. آنجا فضایی اجاره کرده و کتابخانه‌ای با ۲ هزار و ۱۸ جلد کتاب راه انداخته‌ایم. بخشی از کتاب‌ها را دوستان خریدند و بخشی هم اهدایی بوده است. همه کتاب‌ها را پالایش کردیم تا بچه‌ها بتوانند کتاب امانت بگیرند و با فضای کتابخانه ارتباط داشته باشند. حتی در دوران جنگ و زمانی که اینترنت محدود شده، من کار را در فضای مجازی ادامه دادم. فکر می‌کردم نباید بچه‌ها را در شرایط سخت جنگ تنها گذاشت. برای همین گروه‌هایی تشکیل دادیم، محتوا می‌گذاشتیم و سعی می‌کردیم ارتباط قطع نشود. الان هم کلاس‌ها را متداول‌تر برگزار می‌کنیم. بچه‌ها در گروه‌های ۱۰ نفره می‌آیند تا هم امنیت

بیشتر باشد و هم شرایط کنترل شود. یکی از آرزوهای مهم من این است که بچه‌ها فقط با من در ارتباط نباشند. دوست دارم نویسنده‌ها، تصویرگرها، فعالان محیط زیست و آدم‌های مختلف را ببینند تا بفهمند دنیا خیلی بزرگ‌تر از محدوده‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. اما مهم‌ترین آرزویم چیز دیگری است؛ اینکه روزی برسد که دیگر دغدغه اصلی خانواده‌ها برنج و روغن و اجاره خانه نباشد. دلم می‌خواهد بتوانم تمام انرژی‌ام را صرف رشد فکری بچه‌ها کنم؛ اینکه شاد باشند، استعدادهایشان را پیدا کنند و مجبور نباشند از کودکی کار کنند. آرزوی شخصی خودم هم سفر است. دلم می‌خواهد همه ایران را ببینم. مردم شهرهای مختلف را بشناسم و بچه‌های بیشتری را ببینم. فکر می‌کنم تا وقتی کودکی هنوز می‌تواند رؤیا ببیند، هنوز امید وجود دارد. راستی دوست دارم در این گفت‌وگو از دوست شاعر و نویسنده‌ام اکرم کشایی و حدیثه قربان، تصویرگر بنام تشکر کنم که در ماجراهایی این‌شکلی به من کمک می‌کنند.



مصوبات حمایتی روی کاغذ است

خبری از حمایت ملموس از جامعه هتلداران نیست



ویدئو به عنوان عکس نمایش است

مزایای نیروی انسانی، نگهداری تأسیسات و سایر هزینه‌های عملیاتی همچنان پابرجا بود. مادرشاهیان درباره حمایت‌های دولت از این جامعه توضیح می‌دهد: در سطح مصوبات، اقداماتی از سوی دولت در حوزه‌هایی مانند امهال برخی تعهدات در بخش بیمه و مالیات، مطرح و تصویب شد و ما نیز به عنوان جامعه هتلداران پیگیری‌های متعددی در این زمینه داشتیم و جلسات مختلفی با دستگاه‌های مرتبط برگزار شد. با این حال متأسفانه در عمل، روند بروکراسی اداری بسیار طولانی و پیچیده بوده و در بسیاری از موارد همکاری لازم از سوی برخی دستگاه‌های اجرایی مشاهده نشده است. به گفته وی، به همین دلیل تا این زمان بسیاری از واحدهای اقامتی نتوانسته‌اند به شکل مؤثر از این مصوبات بهره‌مند شوند و عملاً حمایت ملموسی که بتواند بخشی از خسارت‌ها را جبران کند به دست فعالان این حوزه نرسیده است. رئیس جامعه هتلداران خراسان رضوی با اشاره به موضوع تعطیلی واحدهای حوزه گردشگری به واسطه جنگ می‌گوید: جامعه هتلداران و مدیران واحدهای اقامتی تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا حتی در این شرایط سخت، فعالیت مجموعه‌ها متوقف نشود. همچنین تلاش شد تا حد امکان از تعدیل نیروی انسانی جلوگیری شود، چرا که نیروی انسانی بزرگ‌ترین سرمایه این صنعت به شمار می‌رود و آموزش و تربیت این نیروها طی سال‌ها صورت گرفته است. با وجود این، باید واقعیت را هم در نظر گرفت که هتل‌ها و واحدهای اقامتی در حال حاضر در شرایط اقتصادی بسیار دشواری قرار دارند و ادامه فعالیت برای بسیاری از آن‌ها با چالش‌های جدی همراه شده است. با وجود این مشکلات، فعالان این حوزه همچنان تلاش می‌کنند شرایط را حفظ کنند.

برنامه‌ریزی کنند. وی در خصوص تغییر قوانین یا راهکارهای مورد نیاز تأکید می‌کند: ما تاکنون تاب‌آوری لازم را در این شرایط داشته‌ایم و از این پس نیز همچنان با همین رویکرد مسیر فعالیت را ادامه خواهیم داد. این موضوع را وظیفه خود می‌دانیم و جامعه هتلداران همواره این همدلی و همراهی با مردم و کشور را بر خود واجب دانسته است. رئیس جامعه هتلداران خراسان رضوی با بیان اینکه دوام کسب‌وکارهای حوزه خدمات و گردشگری به حمایت‌های جدی و عملیاتی دولت وابسته است، می‌گوید: ما با توجه به شرایط اقتصادی کشور انتظار بخشودگی نداریم، اما انتظار داریم برای انجام تعهدات مالی واحدها، فرصت و مهلت لازم در نظر گرفته شده و امکان تقسیط پرداخت‌ها فراهم شود. این موضوع می‌تواند در حوزه‌هایی مانند تعهدات مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی، مالیات‌ها، هزینه‌های حامل‌های انرژی و همچنین بازپرداخت تسهیلات بانکی مورد توجه قرار گیرد.

■ صدور بخشنامه حمایتی به تنهایی کافی نیست
به گفته مادرشاهیان، صدور بخشنامه‌ها و مصوبات به تنهایی کافی نیست و مهم‌تر از آن اجرای واقعی و سریع این تصمیم‌ها در دستگاه‌های اجرایی است. وی با تأکید بر اینکه بخش خصوصی در سال‌های اخیر نشان داده در سخت‌ترین شرایط نیز تلاش کرده فعالیت خود را حفظ کند و خدمات‌رسانی را ادامه دهد، اما ادامه این مسیر بدون حمایت مؤثر دشوار خواهد بود، تصریح می‌کند: اگر قرار است این واحدها بتوانند از این شرایط عبور کنند، از تعطیلی برخی مشاغل جلوگیری شود و همچنان به اقتصاد و خدمت‌رسانی به زائران و مردم کشور کمک کنند، نیازمند همت و حمایت جدی‌تر از سوی دولت و همراهی دستگاه‌های اجرایی هستیم تا بخش خصوصی بتواند با قدرت بیشتری به فعالیت خود ادامه دهد و این دوره دشوار را پشت سر بگذارد.

■ از زائران امام هشتم (ع) دعوت می‌کنیم با اطمینان خاطر به مشهد بیایند
مادرشاهیان ادامه می‌دهد: با تلاش‌های مسئولان و نهادهای حافظ امنیت، استان خراسان رضوی و شهر مشهد در امنیت کامل قرار دارد و خوشبختانه امروز مشهد از نظر زیرساخت‌های اقامتی و خدماتی کاملاً آماده میزبانی از زائران و مسافران است و امیدواریم با بهبود شرایط، دوباره شاهد رونق حضور زائران در این شهر باشیم. در همین راستا از زائران و علاقه‌مندان به زیارت بارگاه متور رضوی نیز دعوت می‌کنیم با اطمینان خاطر و بدون توجه به برخی فضا سازی‌های رسانه‌های خارجی، برای سفر و زیارت به مشهد مقدس

■ در برخی بازه‌های زمانی جنگ، سطح اشغال به صفر رسید
محمود مادرشاهیان در خصوص میزان خسارت‌های وارد شده به واحدهای اقامتی و گردشگری به‌ویژه هتل‌ها در دوران جنگ رمضان در گفت‌وگو با طوس می‌گوید: عملاً تمام هتل‌ها و واحدهای اقامتی استان از این شرایط متأثر شدند. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از گردشگری و زیارت به حضور زائران و میهمانان خارجی، به‌ویژه از کشورهای حاشیه خلیج فارس وابسته است، با آغاز شرایط جنگی و قطع کامل پروازها و محدودیت‌های ایجاد شده، عملاً ورود این بخش از زائران به طور کامل متوقف شد. در نتیجه در برخی بازه‌های زمانی ضریب اشغال هتل‌ها و واحدهای اقامتی به حدود صفر رسید. وی با بیان اینکه فروردین امسال سطح اشغال هتل‌های خراسان رضوی، ۳۵ درصد بوده است، ادامه می‌دهد: در مدت مشابه سال گذشته این عدد ۸۵ درصد بود و طبیعی است که چنین وضعیتی، خسارت گسترده‌ای را برای این بخش به همراه داشته باشد. این خسارت فقط محدود به اقامت نبوده و تمام خدمات جانبی وابسته به هتل‌ها از جمله رستوران‌ها، مجموعه‌های پذیرایی، خدمات گردشگری، حمل و نقل مرتبط و سایر بخش‌های زنجیره خدمات نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. رئیس جامعه هتلداران خراسان رضوی می‌افزاید: از سوی دیگر، فشار اقتصادی ناشی از کاهش شدید درآمدها در حالی که مجموعه‌ها وارد شد که هزینه‌های جاری از جمله حقوق و

■ با سلام، ما یک خانواده چهار نفره هستیم. چهار ماهه شوهرم بیکاره. به کارگر ساده هست با بچه کوچیک. این همه دولت میگه بچه بیارین بچه بیارین، به بسته پوشک شده ۷۰۰ هزار تومن. خب از کجا بیاریم؟ کالا برگ میدن اونم به روغن و به برنج نمیشه، حداقل یارانه را اضافه کنن. به داد مردم برس. بچه‌های ما چه گناهی کردن که نه میوه‌ای و نه خورد و خوراک خوبی داشته باشن؟ خواهشاً مسئولین رسیدگی کنن. هر چی پول، حقوق و بیمه خوبه، توی حساب کسانی که هیچ زحمتی نمیکشن. میرن جلو کولر به خود کارم دستتون! کارگر بدبخت این همه جون میده سر کارم بره حقوقی که شکم به خانواده سیر بشه، بهش نمیدن.

■ سلام، چرا هر طرح حمایتی‌ای میذارین، به گوشه‌اش ایراد داره؟ همه‌اش فرق میذارین بین مردم. به طرح امید گذاشتن که مادران حداقل دغدغه پوشک و شیرخشک بچه رو نداشته باشن، اونم باز از بچه‌های زیر دو سال سال‌های قبل دریغ کردین به طرح یسنا دادین اونم چند ماهه دریغ کردین. آخه از کجا بیاریم با این گرونی خرج بچه رو وقتی به مادر مجبوره بشینه توی خونه بچه‌داری کنه و نمیتونه حتی سرکار بره؟ چه جور می‌تأمین کنه نیازهای بچه رو؟ خواهشاً ای هیچ طرحی ندارین یا اگر میذارین شامل همه بچه‌ها باشه. مگه بچه‌های ما آدم نیستن؟ هر کی خواست بچه‌دار بشه باید صبر کنه ببینه دولت کی به طرح برای حمایت بیرون میده تا با اون طرح برنامه زایمان بچینه که به وقت در حق بچه‌اش احصاف نشه. ما راضی نیستیم.

■ با عرض سلام و ادب. من به مادرم چهار تا بچه دارم. قرار بود زمین رایگان یا مسکن بدن که هیچ خبری نشد. اصلاً اینجا زمین برای فرزندآوری ندادن زمین مشخص کردن ولی ندادن. من پارسل سه ماه دنبال خونه می‌گشتم خونه به تعداد بالا نمیدادن واقعاً این بود حمایتتون؟ به خانواده ۶ نفره باید توی چادر زندگی کنه؟ لطفاً صدای ما را به گوش مسئولان برسانید یک راه بذارین جلو یامون. همسرم کارگر ساده است که ۶-۵ ماهه درست کار نکرده. به داد مردم برسین، مردمی که با به پای شما برای نگه داشتن ایران عزیزمان می‌جنگن و شما را سربلند نگه داشتند به دادشون برسین یا تشکر از شهرستان فاروج پیام میدم.

■ خسته نباشید، از مسئولین خواهش میکنم یکم به شهرک طرق رسیدگی داشته باشید. نه پیاده‌رو درست و حسابی داره نه به فضای سبز. سلام خسته نباشید، وسایل خانگی رو یکم رسیدگی کنین، دخترم توعده توی خرج خانه یک خانواده ۶ نفره موندیم. توی پول وسایلیش موندیم. روز به روز گرون تر میشه، وام ازدواجم که دو تیکه وسیله نمیشه. لاقل مبلغ وام رو افزایش بدین یا همون روز دتر بدین ما به دردمون برنیم. چه خبره؟ این گرونی امونمون رو بریده.

■ ابوطالب ۶۴ چند ماهه لامپ‌های ستون‌ها سوخته. کوچه خیلی تاریکه، لطفاً به شهرداری بگین پیگیری کنه ممنون.

■ مگه شما مشکلات ما رو نمیدونین که بگیم؟ همه مردم رفتن زیرخفت فقر، چرا قدر مردم رو نمیدونین؟ چرا مردم که کنار شما بودن حالا شما کنارشون نیستین؟ چرا به دادشون نمیرسین؟ هر چقدر هم سبد کالا اضافه بشه با هم همون یه کیسه برنج و روغن میشه، با با گرون نکنین سبد کالا رو نمیخواه اضافه کنین 🙏🙏

■ سلام انسولین (نوامیکس سی) دو روز پیش ۲ هزار و ۵۰۰ تومن بوده امروز شده ۲۵۰ هزار تومن، واقعا چه خبره؟ به گوش مسئولین برسانید. دولت می‌گوید با گران‌فروشی برخورد می‌کنیم. الان امتیاز آب و برق توسط خود دولت سر به فلک کشیده، هر امتیاز بالای ۵۰ میلیون شده! واقعا چه خبره؟ از تربت حیدریه پیام میدم.

■ این چه دولتیست که همیشه از مردم حمایت می‌خواه اما خودش پشت مردم نیست؟ بابا از گرونی و اجاره‌خونه‌های سرسام‌آور کمرومن شکسته شماها کجاییین؟

■ سلام و خسته نباشید خدمت شما عزیزان، از میناب روستایی به نام گورزانگ با شما حرف میزنم. ما به خانواده پنج نفره هستیم که دو ساله وضع مالیمون خرابه، شوهرم ۵۰ سالشه، قبلاً راننده بود ولی با گرونی دیگه مردم با موتور یا وسیله شخصی خودشون جاها میشن که خلاصه از روستای ما تا شهر ۲۰ دقیقه راه بیشتر نیست و مردم خودشون میرن. ما موندیم قسطن، خرج و بدهی. جنوب خیلی هوا گرمه پارسل سه تا کولرمون با هم سوخت. خیلی سختی کشیدیم تا وام گرفتیم که کولر بخریم، اینم شد روی قسطی دیگه. مواد غذایی خیلی گرون شده، روغن شده ۲/۲۰۰ و برنج هم ۲/۶۰۰، دیگه بقیه رو بماند. ما دو ساله گوشت نخوردیم. توان مالی نداریم، عید امسال نتونستیم برای بچه‌ها لباس بخریم. خدا کنه به حق صاحب‌الزمان (عج) همه چیز درست بشه.

■ سلام، رفتیم بیمه سلامت کنیم میگن دهک بندیه، دهک ما هم هشته، پنج نفر از کجا بیاریم یک ساله نفری ۲۰۸۰۰، خدا رو خوش میاد یعنی با این اوضاع اقتصادی؟ چرا مثل اول بیمه سلامت رو ادامه ندادن؟ دهک برای یارانه‌اس نه بدبختی مردم. اونم با این دهک‌بندی‌ها! واقعا توان بیمه کردن رو نداریم و توان دکتر رفتن با این ویزیت‌ها و داروهای گرون رو نداریم و بقیه هم که خودتون میدونید چقدر گرونن. لطفاً برای مردم کاری بکنید حداقل بتونن با قیمت مناسب بیمه کنن.

■ واقعاً کی می‌خواه اوضاع ما خوب بشه؟ مایحتاجمان روز به روز گران‌تره نه میتونیم ماشین بخریم نه خانه، هر ثانیه هم بالا میره. اجاره‌خونه از یک طرف، پول دوا دکتر از طرف دیگه. یعنی هیچ‌کس به فکر معیشت مردم نیست؟ پولدار هر روز بهتر فقیر بدبخت‌تر. یکم مسئولین محترم بیشتر به طبقه ضعیف جامعه نگاه کنند. درآمدمون به ریاله خرج و مخارج زندگی به دلار! روغن، برنج و حبوبات هم قیمتش خداتومه. چرا با گرانفروشان برخورد نمیشه؟ بیکاری هم برامون شده دغدغه که خدا یا چطور کرایه خونه رو بدیم.

■ پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۷ به گلایه مخاطب قدس از نبود سطل زباله در اصلانی ۶۸
با سلام و تشکر از شهروندان محترم، باکس‌های جمع‌آوری زباله یا مخازن ۱۱۰۰ لیتری برای جمع‌آوری سرجارو پاکبانان است که محله را جاروب می‌زنند. از شهروندان محترم خواهشمند است زباله‌های خودشان را در ساعت ۲۱ تا ۶ صبح در خیابان قرار دهند تا توسط ماشین‌های جمع‌آوری زباله جمع‌آوری شوند.

با ماصدات شنیده همیشه

شناسه ما در فضای مجازی
@QudsKhorasan

خراسان جنوبی

نصب نیروگاه خورشیدی در ۸۰ درصد دستگاه‌های اجرایی استان

استاندار خراسان جنوبی در جلسه ستاد توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر استان خاطر نشان کرد: از مجموع ۸۸ دستگاه اجرایی مستقر در استان، ۶۸ دستگاه معادل ۸۰ درصد، نسبت به اجرای پنل‌های خورشیدی اقدام کرده‌اند. به گفته سید محمدرضا هاشمی، با تنظیم جدول زمان‌بندی مشخص و اعلام به ادارها، بر این نکته تأکید می‌شود که ۴۰ درصد باقیمانده دستگاه‌ها مکلف‌اند در سال جاری این مهم را به سرانجام برسانند. وی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای اجرای طرح جمعیتی پنل‌های خورشیدی در برخی دستگاه‌ها افزود: برای اداره‌هایی که امکان استفاده از پشت‌بام یا فضای مناسب در محل دستگاه وجود ندارد، زمینی در قالب سه مگاوات پیش‌بینی شده تا شرایط و زیرساخت لازم برای اجرای این طرح فراهم شود. استاندار خراسان جنوبی با قدرانی از اقدام‌های انجام شده در حوزه نیروگاه‌های خورشیدی پشت‌بامی توسط بسیج سازندگی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی گفت:

خراسان شمالی

فاروج، قلب تولید زعفران در استان است

خلیج فارس صادر می‌شود. وی گفت: شهرستان فاروج بیشترین سطح زیر کشت و تولید زعفران استان را به خود اختصاص داده و در مجموع این محصول در هشت شهرستان خراسان شمالی کشت می‌شود. محمود آبادی با اشاره به نقش اقتصادی این محصول افزود: در فصل برداشت، شمار زیادی از کارگران فصلی در مزارع زعفران مشغول به کار می‌شوند و این محصول سهم مهمی در اشتغال‌زایی مناطق روستایی دارد. وی بر ضرورت توسعه زنجیره ارزش زعفران تأکید کرد و گفت: برندسازی ملی و بین‌المللی این محصول و جلوگیری از خام‌فروشی، از مهم‌ترین برنامه‌های بخش کشاورزی استان است. این مسئول بیان کرد: زعفران یکی از محصولات راهبردی و ارزآور خراسان شمالی محسوب می‌شود و توسعه صادرات آن می‌تواند نقش مؤثری در رونق اقتصادی منطقه داشته باشد.

رئیس جهاد کشاورزی خراسان شمالی گفت: شهرستان فاروج با دارا بودن بیشترین سطح زیر کشت زعفران در خراسان شمالی، با عملکرد میانگین ۹/۵ کیلوگرم، به‌عنوان قطب اصلی تولید این محصول ارزشمند شناخته شده است. اسماعیل محمودآبادی گفت: ۵ هزار و ۴۳۰ هکتار از اراضی خراسان شمالی زیر کشت زعفران قرار دارد و این استان از نظر سطح زیر کشت، رتبه سوم کشور را به خود اختصاص داده است. وی ادامه داد: میانگین عملکرد زعفران در خراسان شمالی ۹/۵ کیلوگرم در هر هکتار است که استان را در شاخص عملکرد تولید، به رتبه نخست کشور رسانده است. رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان شمالی با اشاره به کیفیت بالای محصول تولیدی استان خاطر نشان کرد: زعفران خراسان شمالی از مرغوب‌ترین زعفران‌های کشور به شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از آن علاوه بر تأمین نیاز داخلی، به استان‌های دیگر و کشورهای حاشیه

محمدحسین مروج کاشانی | در روزی که زمین به تقدیر الهی از زیر کعبه گسترده شد(دحوالارض)، آسمان مشهد شاهد پیوند دوباره شاگردان با مکتب استادی بود که عمری را در جست‌وجوی حقیقت ازلی سپری کرد. رواق دارالحجه(عج) حرم مطهر رضوی، روز گذشته میزبان آیینی بود که بوی تدین، تحقیق و حکمت می‌داد؛ مراسم نخستین سالگرد عروج ملکوتی عالم وارسته و مفسر دقیق‌النظر، مرحوم استاد محمدحسین حشمت‌پور(ره).

■ **حضور سبز بزرگان در ضیافت اندیشه**

این محفل باشکوه با حضور آیت‌الله احمد مروی تولیت آستان قدس رضوی، غلامحسین مظفری استاندار خراسان رضوی، رضا خوراکیان مدیرعالی حرم مطهر رضوی، دکتر عبدالحمید طالبی رئیس سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، دکتر احد فرامرز قراملکی رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، برخی از مدیران و مسئولان حرم مطهر امام رضا(ع)، جمعی از نخبگان علمی، مدیران ارشد آستان قدس، اساتید برجسته حوزه و دانشگاه و ارادتمندان به ساحت علم و معرفت و شاگردان و خانواده آن مرحوم برگزار شد تا یاد و خاطره مجاهدی که قلم و قدمش وقف اعتلای کلمه‌الله بود، در جوار بارگاه عالم آل محمد(ع) گرامی داشته شود.

■ **هجرتی که تمدن ساخت؛ از مدینه تا تونس**

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شریعتی‌تبار، پژوهشگر پیشکسوت بنیاد پژوهش‌های اسلامی، سخنران این مراسم با ترسیم پیوندی معنوی میان مناسبت «دحوالارض» و هجرت تاریخی امام رضا(ع)، به تبیین ابعاد تمدن‌ساز حضور امام در خراسان پرداخت. وی اظهار کرد: «اگرچه هجرت امام از مدینه به مرو، سفری تحمیلی از سوی دستگاه خلافت بود، اما تدبیر الهی و حضور نورانی ایشان، تهدید را به فرصتی بی‌بدیل مبدل کرد. این سفر، نقطه عزیمت یک تمدن بزرگ علمی شد که امروز ثمرات آن در قالب نشر علوم قرآنی و معارف اهل‌بیت(ع) از مشهد مقدس به سراسر جهان اسلام مخابره می‌شود.»

■ **۶ دهه سربازی در سنگر حکمت و تدریس**

بخش اصلی سخنان شریعتی‌تبار به واکوی شخصیت علمی حکیم فقید، استاد حشمت‌پور اختصاص داشت. او این استاد راحل را «مجاهد میدان تعلیم» نامید و افزود: «سخن از مردی است که بیش از ۶۰ سال از عمر پربرکت خود را در راه گشودن گره‌های ذهنی طالبان علم سپری کرد. او نه تنها یک مدرس، بلکه دیده‌بانی بیدار در جبهه حکمت‌متعالیه و فلسفه اسلامی بود.»

وی با اشاره به ویژگی‌های منحصربه‌فرد تدریس مرحوم استاد حشمت‌پور خاطر‌نشان کرد: «در سال‌های اخیر و با رهنمودهای تولیت آستان قدس رضوی، توفیق داشتیم در بنیاد پژوهش‌های اسلامی میزبان ایشان باشیم. تسلط حیرت‌انگیز وی بر متون دشوار و دیرپه‌می همچون شغای شیخ الرئیس و تبیین دقیق مباحث «خطابه و جدل» گواهی بر عمق دانش و نفوذ کلام ایشان بود.»

سخنران این مراسم بیان کرد: «این محفل و مراسم به پاس تجلیل از مجاهدت‌های علمی و اخلاقی حکیم محمدولایتی! ملغی شدن قرارداد استعماری توتون و تنباکو نقطه عطفی در تاریخ معاصر است که از یک‌سو بیداری سیاسی و اجتماعی مردم را رقم زد و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین محرک‌های جامعه ایرانی، یعنی مرجعیت را معرفی کرد. هم‌زمان با سالگرد لغو قرارداد رژی نگاهی داریم به ماجرای نهضت تنباکو که به عقیده محققان، سرآغاز حرکتی نوین در تاریخ ایران به رهبری روحانیت شیعه بوده‌است.

■ **امتیاز ۵۰ساله**

در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا، افزایش تولید و صادرات توتون و تنباکو در ایران توجه غربی‌ها را به خود جلب کرده بود. بنابراین مذاکراتی میان شاه و صدراعظم ایران با انگلیسی‌ها، به نمایندگی جردالت‌البوت، درباره امتیاز تجارت توتون و تنباکو صورت گرفت. پس از پارگشت ناصرالدین شاه به ایران، تالبوت به تهران آمد و با پرداخت ۲۵هزار لیره به ناصرالدین شاه، قراردادی را به امضای او رساند که به قرارداد رژی معروف شد: دولت ایران در برابر دریافت سالانه ۱۵هزار لیره و یک‌چهارم سود سالانه، اختیار تام دخانیات ایران و امتیاز کلیه معاملات داخلی و خارجی توتون و تنباکو را به مدت ۵۰ سال به تالبوت و شرکایش واگذار کرد.

■ **تکثیر کمپانی هندشرقی در ایران**

در آستانه آغاز به کار کمپانی رژی، نخستین انتقادها در ایران آغاز شد.بازرگانان و دست‌اندرکاران تجارت تنباکو و برخی روحانیون و روشنفکران در منابر، نامه‌ها، روزنامه‌ها و شب‌نامه‌هایی از نتایج این امتیاز ایران نگرانی می‌کردند. قرارداد بدون اعتنا به انتقادها اجرائی شد و هزاران اروپایی به عنوان مأمور اجرائیات وارد کشور شدند. کشاورزان و تولیدکنندگان تنباکو باید کالای خود

انان ظهر	انان مغرب	انان صبح فردا
۱۳:۰۱	۱۹:۲۳	۳:۲۱
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۹:۰۲	۲۳:۱۱	۴:۵۹

پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۷
۱۴ می ۲۰۲۶
سال سی و نهم | شماره ۱۰۹۲۷

انان صبح فردا	انان ظهر	انان مغرب
۲:۴۶	۱۱:۲۸	۱۸:۵۰
طلوع فردا	غروب خورشید	نیمه شب شرعی
۴:۲۵	۱۸:۳۰	۲۲:۳۸

روایت آیین سوگ و بزرگداشت حکیم معاصر و مفسر قرآن، مرحوم استاد محمدحسین حشمت‌پور(ره)

بزرگداشت حکمت در حریم ملکوت



حجت الاسلام شریعتی تبار، استاد حشمت‌پور را مجاهدی خستگی‌ناپذیر در عرصه تعلیم و حکمت اسلامی توصیف کرد که بیش از ۶ دهه عمر خود را وقف تبیین فلسفه اسلامی و تربیت شاگردان فرهیخته کرد

فقید و اندیشمند فرزانه‌ای تدارک دیده شده است که با بهره‌مندی از لحظات عمر شریف خود و با نهایت تواضع و فروتنی از چهره‌های تابناک حکمت معاصر و از اساتید برجسته حوزه و دانشگاه به شمار می‌رفت و عمری را در مسیر تبیین معارف ناب اسلامی و تربیت شاگردانی فرهیخته سپری کرد.»

■ **فلسفه؛ تردبانی برای عروج نفس**

این پژوهشگر پیشکسوت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در بخش دیگری از سخنانش به گرایش فطری و عالی انسان در زمینه تعلیم و تعلم و فراگیری علم و حکمت اشاره و اظهار کرد: «این گرایش آن‌قدر مهم و حساس است که حتی سایر تمایلات، غرایز و گرایش‌های انسانی را در بشر، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و در زندگانی بسیاری از بزرگان و علمای اسلامی همچون علامه حلی، شیخ الرئیس بوعلی سینا، علامه مجلسی، شیخ مفید و… و حتی دانشمندان غیراسلامی هم تمایل، عشق و علاقه به فراگیری علوم مختلف به‌وضوح دیده می‌شود.»

وی علم‌جویی را نه یک اجبار، بلکه «عطشی فطری» نامید وگفت: «عشق به دانستن، چنان در تارو پود انسان ریشه دارد که حتی غرایز مادی را نیز به زانو درمی‌آورد.

همان‌گونه که بزرگانی چون بوعلی سینا و علامه حلی،

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی

مدیرعامل و مدیرمسئول: علی یعقوبی

سردبیر: سید محسن اسدی

● آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاده، نبش سجاد ۱۴-۱۱-۳۷۶۸۵ (۰۵۱)

● تلفن: (۰۵۱) ۳۷۶۸۵-۱۱

● صندوق پستی: ۵۷۷-۹۱۷۲۵

● دفتر تهران: بولوار کشاورز، بین کارگر و جملزاده، شماره ۳۳۶

● تلفن: ۶۶۹۳۷۵۵ (۰۲۱)

● نامبر: (داخلی۲۲۶) ۶۶۴۳۰۲۲ (۰۲۱)

● پیامک: ۳۰۰۰۴۵۶۷

● ارتباطات مردمی: ۳۷۶۱۰۰۸۶ (۰۵۱)

● امور مشترکین: ۳۷۶۸۰۴۴-۵ (۰۵۱)

● روابط عمومی: ۳۷۶۶۲۵۸۷ (۰۵۱)

● شمار سردبیر: ۳۷۶۱۰۰۸۷ - ۳۷۶۸۴۰۰۴ (۰۵۱)

● سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۲۸۲۰۵ - ۷۷۰۸۸ (۰۵۱)

● فاکس: ۳۷۶۱۰۰۸۵ (۰۵۱)

● سفارشات چاپی: ۳۷۶۷۶۵۹۶ (۰۵۱)

● چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس

● چاپ هم‌زمان تهران: چاپخانه جاجم

یک نیاز فطری و تمایل عالی در وجود انسان است.»
وی ادامه داد: «انسان در طول زندگی خود به دنبال دانستنی‌های بسیاری است ولی درکنار این موضوع، یک مسئله و دانستنی مهم در زندگی بشر مطرح بوده و هست و آن عبارت است از اینکه فلسفه خلقت و غایت و نهایت آفرینش چیست؟».

حجت‌الاسلام شریعتی تبار در این زمینه بیان کرد: «مطابق نظرات فلاسفه و با توجه به دانش بشری و دریافت‌های آنان، فلسفه خلقت و هدف نهایی آفرینش، تکامل است، یعنی استعدادهای بالقوه و نهفته در انسان شکوفا شود و به فعلیت برسد.»

بخش جانش برانگیز سخنان شریعتی تبار، پرسشی بنیادین بود: «اگر غایت خلقت، تکامل است، پس چرا مرگ رشته این تکامل را می‌گسلد؟» وی با نقد نگاه‌های مادی‌گرایانه تأیید کرد که فیلسوفان غیرالهی در پاسخ به این معما درآمده‌اند، اما در مکتب اهل‌بیت(ع)، مرگ نه یک بن‌بست، بلکه درپچه‌ای است به سوی «انا‌الله و انا الیه راجعون».

وی با اشاره به حدیثی از امیرالمؤمنین امام‌علی(ع) گفت: «وجود مقدس آن حضرت در این زمینه بیان می‌کنند: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که برای خود در سفر به آخرت و برزخ، زاد و توشه تهیه کند و بداند که کجا آمده، به کجا می‌رود و در کجا زندگی می‌کند.»

■ **بهای عمر؛ معرفت توحیدی و بندگی خالصانه**

این پژوهشگر پیشکسوت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با بیان آیاتی از قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار(ع) درباره زندگی در دنیا اظهار کرد: «مطابق تعالیم اسلامی و مکتب اهل‌بیت(ع) دنیا یک بازار بزرگ تجارت است؛ تنها کسانی در روز رستاخیز سود حقیقی را در آغوش می‌گیرند که سرمایه بی‌بدیل عمر را به بهای معرفت توحیدی و بندگی خالصانه فروخته باشند. راه رستگاری از میان ایمان، عمل صالح و جهاد در مسیر حق می‌گذرد.»
وی در پایان سخنانش بیان کرد: «قرآن کریم و مکتب اهل‌بیت(ع) انسان‌ها را به تجارت سودمند در بازار دنیا و در عمر و زندگی بشری راهنمایی کرده‌اند که همانا عبارت است از ایمان به خدا، معرفت به پروردگار و اسما و صفات او، اطاعت از پیامبر خدا(ص) و جانشینان پاکش، انجام اعمال صالح و جهاد و تلاش برای بندگی خدا.»

■ **تواضع؛ زیور دانشمندی فرزانه**

در این مراسم که به همت سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش‌های اسلامی برپا شده بود، بر این نکته تأکید شد که استاد حشمت‌پور الگوواره‌ای از آمیختگی «علم» و «اخلاق» بود. سخنران مراسم، تواضع و فروتنی را بارزترین ویژگی‌هایشیتن این حکیم برشمرد؛ مردی که با وجود جایگاه رفیع علمی در حوزه و دانشگاه، همواره خود را شاگرد مکتب وحی می‌دانست و لحظه‌ای از تربیت نسل جدید پژوهشگران باز نایستاد.

مراسم بزرگداشت این مفسر قرآن و حکیم معاصر، در حالی پایان یافت که طنین صلوات خاصه حضرت رضا(ع) در فضای رواق پیچیده بود؛ بدرقه‌ای معنوی برای استادی که اکنون در آغوش پناهگاه هشتم آرام گرفته است، اما میراث علمی او همچون چراغی در مسیر تشنگان حکمت، پرفروغ و روشنگر باقی خواهد ماند.

ماجرای نهضت تنباکو سرآغاز حرکتی نوین در تاریخ ایران به رهبری روحانیت بود

رونمایی از قدرت پنهان مرجعیت

شاه به تلگراف مرجعیت پاسخ نداد و در عوض نماینده ایران در بغداد را نزد میرزا در سامرا فرستاد تا دلایلی مثل «ضرورت قرابت با دول بزرگ برای استخلاص از روسیه تزاری، لزوم تقویت بودجه و قشون و رفع نقائص مالیه، موهن بودن الغای قرارداد، بی اعتبار شمرده شدن امضای پادشاه، خسارات فسخ امتیاز و…» را برای ناتوانی دولت در فسخ امتیاز ردیف کند.

پاسخ میرزا این بود که «دولت اگر از عهده جواب بیرون نتوان آید، ملت از جواب حسابی عاجز نیست».

چند روز بعد، حکم میرزا ورق را برگرداند: «بسم‌الله الرحمن الرحیم، ایوم استعمال تنباکوو توتونو پای‌نجوگان در حکم محاربه باامام‌زمان علیه‌السلام است. حرره الاقل محمدحسن‌الحسینی».

■ **مبارزه در حرمسرای شاهی**

مردم با خوشحالی از این حکم استقبال کردند و با وجود سخت‌گیری مأموران دولتی و ادعای جعلی بودن، حکم تحریم توسط علما و تجار به سرعت تکثیر و در سراسر کشور منتشر شد.

حکم تحریم تنباکو با هیجان، سرعت و دقت کامل از سوی همه طبقات مردم پذیرفته‌وه نهاد همبستگی ملی تبدیل شد. حتی کسانی که چندان پایبند به رعایت احکام شرعی نبودند، فرنگی مآبان، اقلیت‌های مذهبی، کارکنان دربار، رجال دولتی و حتی همسران شاه‌هم به فتوای تحریم التزام داشتند. انیس‌الدوله، سولگی ناصرالدین‌شاه دستور جمع آوری قلیان‌ها از حرمسرای سلطنتی را صادر کرد و در برابر اعتراض شاه‌که چه کسی این‌ها را حرام کرده، پاسخ داد: «همان کسی که ما بر تو حلال کرده‌است!».

■ **پیروزی نهضت**

حکومت که برای نخستین‌بار در برابر یک حکم حکومتی و مبارزات مردمی قرار گرفته بود، تلاش‌های دامنه‌داری را برای دور زدن مردم و علما و فشار، تهدید، تطمیع و فریب آن‌ها آغاز کرد. تلاش‌هایی که نتیجه نداد و همگان در انتظار لغو کامل قرارداد و لغو تحریم از سوی مرجعیت بودند. دولت تصمیم به برخورد با علما گرفت و به آشتیانی ابلاغ کرد یا در انتظار عموم قلیان بکشد یا شهر اترک کند. آشتیانی همراه علمای تهران آماده خروج از شهر بودند که انبوه مردم، بازارها را بستند و در اطراف خانه‌اش گرد آمدند تا از خروج عالم شهر جلوگیری کنند. جمعیت خشمگین رهسپار کاخ شاه شدند که تیراندازی نگهبانان و جان باختن تعدادی از مردم را در پی داشت.

شاه از آشتیانی خواست مردم را آرام کند و تعهد دادی سه‌روزه انحصار

داخلی و خارجی تنباکو را به‌طور کامل لغو کند.

چندی بعد میرزا با اطمینان از لغو کامل قرارداد، حکم تحریم را لغو کرد، اما مردم تا مدت‌ها تنباکو استعمال نمی‌کردند؛ چون مطمئن نبودند این دستور میرزاست یا شیاعه حکومت و انگلیسی‌ها!

■ **شکست یک امپراتوری**

حکم تحریم تنباکو نقطه عطف نمادینی در تاریخ ایران است که با بیداری اجتماعی و سیاسی مردم، به همبستگی ملی و استقلال کشور از استعمار کمک کرد. این قیام برای نخستین‌بار شاهد حضور زنان در صحنه مبارزه، با انگیزه دینی و بیگانه‌ستیزی نیز بود.

از سوی دیگر نهضت تنباکو نخستین مقاومت فراگیر و در عین حال موفق مردم ایران در برابر قدرت مطلقه سلطنت قاجار و پیش‌درآمد انقلاب مشروطیت و نیز انقلاب اسلامی ایران بود. علمای دینی در این پیروزی نقشی تعیین‌کننده و انکارناپذیر داشتند.

تحریم تنباکو نشانه آشکاری از قدرت مرجعیت بود؛ قدرت پنهانی که حتی افراد فاقد تعلقات مذهبی را به مشارکت واداشته و حرمسرای شاهی را در برابر شاه قرار داده بود. به تعبیر اعتمادالسلطنه: «قلم جناب میرزا بیشتر از سرنیزه دولت ایران اثر دارد.»

